

عظیم ، ا دارد که مجرد رسیدن شراره جنگ بدان از
 همتش شده ستم اروپا و اهانش را هلاک و برباد
 خواهد نمود . - باسیون اروپا بملاحظه همین نکته هر يك
 در مقام خود از روی مال اندیشی برخلاف طبیعت و
 استعداد خویش مجبور بصلح خواهی گردیده و آتش
 حرص عالم گیر خود را به تصرفات آسیا و افریقا محدود
 نموده خردگ می بخشند . و هرگاه اختلافی بین آنان در
 آسیا و آمریکا پیدا شود چون نزاع بر سر ممالک دیگر است
 هر يك تا درجه از دیگری ملاحظه کرده اندک از
 طمع خود کاسته کوس تمدن و صلح خواهی را در
 عالم میگویند

با این همه چون مسئله اقصای شرقی اهم است خیلی
 اگر اختلافی بین دول اروپا پیش آید که منجر ب جنگ
 شود لامحاله دلس اروپاییان را شراره جنگ فرا خواهد
 گرفت

هرگاه دولت روس را در اقصای شرق شکستی
 قاحش پیش آید حیرانیش را در آن خواهد دیدافت که بپرتدبیر
 باشد جنگ را در مغرب زمین انداخته دول مغرب را که
 طبعا هر يك رقیب روس اند چون خود مشغول دارد
 و از قوای آنان بکاهد چه اگر دولت روس در جنگ
 ژاپون شکست یابد نقصانی عظیم بر قوای او طاید و سائر
 دول اروپا بقوای اصایه خود باقی خواهند ماند نتیجه
 اش برای روس در آتیه نیکو نمی نماید . این است که
 میتوان تسلیم نمود که اگر دولت روس در اقصای
 شرق نقصان عظیم و شکست قاحش بیند لامحاله به تدابیر
 عملی دول مغرب زمین را شامل حرب نموده جنگ مغلوبه
 در عالم خواهد انداخت . چون در شکست روس
 در اقصای شرق وهم درحالتیکه جنگ در اروپا اوقند
 دولت فرانسه را زیان بسیار میرسد فرانسیون پیش
 از سائر اروپاییان در این جنگ متوحش و متفکر و
 سعی اند تا هر جا ممکن بود جلو نقصان حالی و
 مالی خود را بگیرد و ازین وقت اقدامات صلحخواهانه
 میبایند که شاید دولین متارعتین را طایل بصلح بایند -

انگلیسان از پشت و روی این جنگ چه در اقصای
 شرق محدود ماند و چه در اروپا سرایت نماید منافع خویش
 را منصور دیده تا جائیکه میتوانند دامن میزنند و در
 استحکام جنگ اقصای شرقی سی و اقدام می نمایند
 بجزریکه در اقصای شرق آغاز ب جنگ شد انقلابات
 جزیره های بلقان روی با راسی نهاد . و امارت بلغارستان
 در دربار عثمانی ملتجی ب صلح گردید . این نکته محسوس
 میدارد که مؤید بلکه مؤسس انقلاب بلقان دیگران بوده
 چون خود امروزه دو چاره هالك و حمایتشان از اشرار
 بلقان غیر ممکن و بدون حمایت دول سائره بیک حمله
 عساکر عثمانی قطعات خسته بلقان نه و بالا می شوند از در
 آشتی پیش آمده اجرای خیالات مکنونه را مرهون
 بوقت دیگر گذارده اند . ولی نمیتوان گفت که رجال با
 دانش عثمانی پشت و روی کار را ملاحظه نکرده در این
 موقع اهم جلب منافع خویش و جذب حقوق از دست رفته
 خود را نه نمایند نهایت این است که پس از ملاحظات
 لازمه و تدابیر صحیحه برای پیشرفت مقاصد خود اقدام
 خواهند نمود

تا امروز در میادین بحری دولت ژاپون بر روس
 تقدم حسته میگویند که بقسیمی کشتیهای جنگی ژاپون بر
 دریای چین احاطه نموده که امکان ندارد در آن دریا
 دولت روس را فتح نصیب گردد . در سیزده کشتیهای
 بزرگ زره پوش روس که در بندر آرتر بوده هشت
 فروند آرا ژاپونیهها بیکار و ناقص نموده اند . اینک زاید
 بر يك ماه است که جنگ آغاز شده همه روزه از
 تکرارات يك گونه تقدم ژاپون و يك قسم شکست روس
 ظاهر میشود . (کوریای) کاملاً بقبضه ژاپون آمده حتی
 قشون روس از بنادری که در قبضه آنان بود خارج
 شده و می شوند در جنگ بحری بنادر منچوریا نیز
 ژاپونیهها غلبه جسته . آنچه تاکنون از معاملات جنگ
 مستفاد شده روسها فقط در دفاع و نگاهداری قلاع بحری
 خود مشغول اند و هنوز در مقابل ژاپون میدان داری
 نایستاده کشتیهای ژاپون گاهی بر بندر آرتر حمله نموده

گهی بر تالینوان و ولادی و دسک رو آورده در هر
حله روسها جز دفاع کاری نکرده و در هر میدان
دوچار قصاصیهای بسیار کرده اند - ژاپونیا هر
نقطه حمله می نمایند روسها عدم استعداد خود را ببتک
ظاهر میدارند معلوم می شود که شهرت تهیه و تدارک
جنگی را که از دو سال است روس در اقصای شرق
می بند آواز دهل بوده است -

فعلاً توجه ژاپونیا به نقطه معطوف است
اول محاصره و قبضه بندر (آرتھر) و (تالینوان) دوم خابج
نمودن چند کشتیهای روس که در بندر (ولادی
ودسک) اند - سوم خراب کردن راه آهن منجوریا - در
خصوص بندر (آرتھر و تالینوان و ولادی و دسک)
نیل بگرام ژاپونیا دشواریست - هرگاه ژاپون در خراب
کردن راه آهن منجوریا مقصود المرام گردد نائل بجمع
مقاصد این جنگ خواهد گردید - در این باره چیزی که
مبین و مؤید خیال ژاپون است همانا قدرت اهالی منجوریا
از روس است و نیز جماعتی از مهندسين ژاپون بلباسهای
مختلف برای پیشرفت این مقصود در منجوریا موجوداند
و دولتین ژاپون و چین در پرده بانداختن بلوی در
منجوریا مسامحیله بکار می برند - دولت ژاپون در
این راه از بذل هیچ اقدام دریغ نمیدارد - چیزی که
مال است بر پیشرفت خیال ژاپون در منجوریا همانا
ظهور و زیادتى سرداران روس سبب باهالی منجوریا
می باشد و بتقیده خود چنانچه وضع دیرینه روس است
سامی اند که بقوت و غلبه و رعب اهالی منجوریا را
مطیع او امر خویش قرار دهند - چنانچه لشکریان روس
اهالی یکی از قراء منجوریا را بزم اینک در تخریب
راه آهن سامی اند تیغ در میان آنها نهاده بر زن
و مرد - صغیر و کبیر اهالی رحم نه نموده حیماً را
از تیغ گذرانیده اند این معنی در وقت جنگ خصوصاً
در ملت احنی سیاه در چینیکه دولت رقیب سامی در انداختن
شورش و خلود را حامی آنان قرار میدهد خلاف مصلحت
به نظر میرسد - این نکته مورد یأس اهالی منجوریا

شده در حمایت ژاپون بر خلاف روسیان بلوی خواهند
نمود

از تلگرافات ظاهر می شود که دولت روس قوی
جنگی خود را در میدان وسیعی مائل است جمع نموده
جنگ دریائی را خاتمه نماید - و این جنگ در سرحد منجوریا
قرب راه آهن سبیریا واقع خواهد گردید اگر این امر
بوقوع پیوسته آید کر دید آن جنگ را خاتمه منازعه ژاپون
و روس باید تصور کرد - فعلاً ژاپون میدانرا برده و روسها
را در گرداب پریشانی انداخته است ولی مثل مشهور
است که شاه نامه آخرش خوش است - بعضی جنگ
روس و ژاپون را جنگ انگلیس و بوئر میدانند در آغاز
جنگ ترسوالیان خیلی تقدم بسته دولت انگلیس را
دچار خسارات گونه گونه کردند

ولی این شباهت نامه نیست - چه روس را آن سرمایه
و نمود انگلیس نمیباشد که سه سال دویت هزار قشون
را در میدان جنگ نگاهدارد علاوه ژاپون دولت است
و بوئر امارت بود از همه بالا تمام نفوس ترا سوال باندازه
قشونیکه ژاپون میتواند در میدان جنگ حاضر نماید بود
خلاصه هر کس نقش خود را در آب می بندد مام
برای خود خوب است نتیجه این جنگ را ملاحظه نمائیم
جنگ روس و ژاپون برای دولت عثمانی که اردوهای
منظم دارد و تا درجه مستعد بحفظ حقوق خویش
میباشد البته مفید تصور میشود - ولی از سیه بحق چنین
موقع نیکوئی از دست ایرانیان رفته بجای نفع نقصان
خواهند دید چه رسم جمع دول اروپا این است همینکه
رقیب خود را مشغول دیدند در پیش رفت مقصود خود
سی میبایند دولت روس در ایران سالهای دوازده
بر دولت انگلیس تقدم بسته در چنین موقع به تدابیر
عملی دولت انگلیس بمقاصد خویش نائل خواهد گردید -
چون ایرانیان از عالم بیخبر و از استعداد جنگی بی بهره
اند در این موقع نیکو نیز نفعی در نفوذ و رسوخ
روس حاصل نخواهد شد این است که این جنگ بجای
نفع ایران را نقصان خواهد رسانید بباره آخری هر

امتیازات بزرگ که هنوز برای روسها حصولش میسر نشده
انگلیس حاصل خواهند نمود

امیر جوان جوان بخت افغانستان که امروز روز
وجودش در عوالم اسلامیت مایه نخر اسلامیان است
در دنیا درجه سالی در اصناف اخبار جنگ است
میگویند از پشاور برای رساندن اخبارات تلگرافی
جنگ بکابل بسوی فوق العاده مقرر داشته که هرروزه
از واقعات جنگ با خبر باشند و نیز از روی حال
اندیشی که شاید این جنگ منتهی به جنگ دولتین
انگلیس و روس در وسط آسیا شود بتدارکات
حربی و استعداد جنگی خویش افزوده است که
هرگاه جنگ در وسط آسیا افتد بای مال نگردد
مقصود امیر افغانستان از دیدن تدارکات لازمه فقط
حفظ حقوق خود و یاور موقع خویش بدست
آوردن حقوق از دست رفته است آنچه از قرائن
حالات دست آمده هرگاه در وسط آسیا جنگ پیش
آید امیر افغانستان خویش را بی طرف قرار داده
بجایه هیچیک از دولتین متنازعین بر نخواهد خاست
و منتظر فرصت خواهد نشست تا ویرا موقع نیکو
بدست آید

یادگار ملکه منوفاة وکتوریا

فرمانفرمای هند بدو اظهار داشتند که پنج میلیون
روپیه برای تعمیر عمارت یادگار ملکه منوفاة در کلکته
لازم است و دفتر اطامه باز نمودند هفت مایون و یازده
هزار روپیه جمع شد مقام و نقشه طرح ریزی این عمارت
با زحمت بسیار مهیا و معین گردید این عمارت مانند
شیر سفید خواهد بود و بنایش با سنگ مرمر و
ارتفاعش تا سی و پنج زرع خواهد بود - و عمارتی
هم برای شاهزادگان تعمیر خواهد شد و مورد تاریخی
بسیار موزونی نیز مهیا خواهد گردید سنگ بنای این
عمارت را تا جائیکه امکان باشد از هند بدست خواهند
آورد اطراف این عمارت بستای منزله که باقسام اشجار
و نباتات غریبه موشح باشد مهیا خواهند نمود و

مقامی درین عمارت برای مهمانهای دولتی تعمیر خواهد
نمود و اعیان عتیقه عجیبه که والیان هند از اسلاف
خود یافته در آنجا جمع خواهد بود دوم شهر حال
رسم افتتاح که سکون سنگ بنای آن عمارت است
فرمانفرمای هند گذارد

مکتوب از کرمانشاهان

۲ ذی قعدة ۱۳۷۱

جناب مؤبدالاسلام سلمه الله تعالی - در هفته ماضی
به عرض مختصری مبادرت آمد. امید بمد از ملاحظه
امر بدرج روزنامه مقدسه فرموده اند - در کمال عجز از
تحریر و عدم ایقت جسارت میباشد - نویسنده مقاله
(ر. ض) در شماره ۱۲ با کمال مهارت و استادی و سیاست
درباره قرض دولت و اسارت ملت جوابها تراشیده
و خواسته است خائنین را يك دامن جلوه دهد -
از طرف هم معترضین را به عنوان مفسدین یاد نموده
راهی بی انصافانه پیوده است

وجودی که خود را مایه سعادت و نیک بختی و
افتخار دولت و ملت می شمارد درباره اشخاص وطن
پرست این نوع مغالطه نباید بنماید

آری از بدبختی ایران و دولت و ملت است که رجال
با دانش و کفایت یا باید اسپر خاک و یا بگفته عوام سنگ
قلوه سنگ شده هر یک گوشه بگیرد و خائنین و اتباعشان
که از جنود شیاطین بشمارند هر يك با هزار گونه
خیانت و تدلیس روی کار آمده دولت شش هزار ساله
ایران را باین پایه یستی و ذلت و اسارت دوچار و باز
هم مفاخره داشته باشند - با اینکه با کمال سیاست و
دور اندیشی این قرض شده گویا مقصود صاحب مقاله
این است که ایرانیها با فروتنی تمام از خائنین و اتباع
او تشکر ها و در عقب هر فریضه درباره اسارت خود
دعاگو و در مقام ضرورت جلبازی نمایند گذشت ایام
ماضی تازه ایرانیها میخواهند بی به حقوق خود به برسد
باصل مطلب به پردازیم که استقرض است

صاحب مقاله این نوع حساب سازی نموده مینویسد دو قتره قرض از روس سی و دو میلیون و نیم منات است. و به حساب ایران میشود شصت و پنج کرور منات یکمناپ روس را هم پنج قران پول ایران تسعیر نموده و قرض را در سی و دو کرور و نیم تومان برقرار داشته - بر مطالعه میکنندگان روزنامه مقدس پوشیده نیست که یکمناپ روس خواه قتره و خواه اسکناس کاغذی یکصد کیک است

در زمانی که این قرض شد بحساب صرافی فرانکستان و تجارتی ایران و برات ادیسه مراجعت شود معلوم خواهد شد که یکصد و هفتاد و چهار کیک ده قران بود - واضح تر عرض شود هرگاه پنج قران ایران را چه در روسیه و چه در ایران بهر صراف و تاجری داده میشود (۸۷) کیک روس عوض میداد

صاحب مقاله به فرماید که در هر پنج قران (۱۲) کیک و یا تومان (۲۶) کیک تفاوت چه شد و بکیسه که فرو رفت واضح تر عرض میباشد شصت و پنج کرور منات دولت ایران قرض نمود بحساب صرافی و برت بازی بانگها و تجار که (۱۷۴) کیک یکتومان بود پول قران باید وارد ایران شود یا آنکه بمواله طلبگار داده شود بدین حساب (سی و هفت کرور و سصد و پنجاه و شش هزار تومان و اندی می شود) صاحب مقاله که سی و دو کرور قرض را نوشته بیان نماید که (پنج کرور و یکصد هزار تومان و اندی) کجا رفت و چه شد چون از جریان امور اطلاعاتشان پیش از همه کس میباشد بیان فرمایند تا معترضین دم فرو بندند و تصدیق کردهای ایشان را به نمایند

آنچه به نظر این بنده میرسد از سه شق خارج نیست یا در اول خائین از قرار منای پنج قرانرا به خرج خزانه آورده سی و دو و نیم کرور داده و باقی را خودشان از میان برده اند - و یا آنکه روسها دیده اند خائین از حساب طاری و در عمل معصومت با کسی ندارند و بجز از مبادله قران و منات هستند حساب را هم راست حسینی

به خرج آنها بهتر میتوان داد گفته اند منات در پیچ قران باشد آنها هم قبول کرده اند و یا آنکه فرار باید داده باشند در زمان ادای وجه اقساط ایران پنج در ن ایرانی در عوص يك منات بردارند - در هر صورت خطای خائین ظاهراست

شق اول اگر باشد - آیا رواسب حشیر دولت و ملت اینگونه خیانت باین آشکاری نمایند در حالتیکه تمام دارائی و وثیقات آنها بواسطه این دولت و ملت است؟ شق ثانی هرگاه تصور شود خائین از مبادله منات و قران بجزیره بوده میخواستند از یکفتر شاگرد صراف طهرانی یا تبریزی سؤال نمایند بدون معطلی آنها حساب را حلی نماید و گول بخورند - و در انظار خارجه جلوه ندهند نقهی خودشانرا (صاحب مقاله انصاف دهد آیا رواسب که پنج کرور و یکصد هزار تومان منات و دولت از حساب بدانی خائین زپر بار قرض طنده و هفتاد و پنج سال پول نگرفته اصلاً و فرعاً که بالغ بر هفده کرور میشود پردازند؟

در شق ثالث باز هم گول خورده اند چرا که تا چند سال قبل چهار منات روس يك تومان مبادله میشد متدرجاً منات ترقی نموده سال بسال خاك بمر قران ریخت تا بدین درجه تنزل کرد

صاحب مقاله جناب (ر. ض) انصاف بدهد هرگاه عرض و مرضی خائین نداشته خیانت باین بزرگی را بدولت و ملت خود روا میدهند؟ در قتره دو کرور منات مینویسد آیا ممکن است یکفتر از توی این همه خیانت دارها مالك این حصه بزرگ شود؟

بعد از آنی که شخص کار خود را موافق مقصود طرف مقابل تمام کرد به طریق انعام دو کرور باو دادند او هم در بانک گذارد مشکل نیست چنانچه سالها از این گونه دست مردها گرفته و در بانک گذاشته اند - اینکه نوشته در تمام ایران این قدر پول یافت میشود جای انصاف نیست زیرا در این سی ساله در خیر بروی ایرانیها مسدود خود و اتباع خائین بهر قسمی

توانسته ثروت ملك را جايدہ حقوق دولت و ملت را فروخته بايال نمودند و با كمال ناجوان مردی در بانگهای خارجه و در اين اواخر در بانك روس گذاشتند درين صورت اين قدر ثروت در ايران نخواهد ماند اساس بايد داد ايراني بدبخت با كدام تدبير صاحب ثروت شود

خائينان تدبيرات زياد ضرايخانه ايجاد و پول سپاه سكه منافع را برده كرورها ضرر و خسارت را رعيت برد - تا تدبير ديگر بايج قرانی ايران كه وزنآ از مجيدية عثمانی سنگين تر و عيارش بهتر است دو پنج قرانی در عوض يك مجيدية خرج ميشود - و هكذا منات روس از قره و كاعد شش قران در مبادله است جهة اين تنزل نبود مگر شراكت خائن با ضرايخانه - اين بود كه هر قدر تجار و اعيان خواستند ضرب سكه را محدود بيايند ممكن نشد - اصل مقصود اين است كه خائن و ابياع او هر قدر توانستند خاك مذات بروی ايراني و ايران باشيدند و هر چه رعيت پيدا كرد آنها گرفتند و حال بخارج نمودند كه در زمان معزولي بگويند جز قوس جيزی نداريم

با وجود اين خيانتها معلوم است در ايران پول يافت نخواهد شد و اگر هم يافت شود از طلا و قره در صندوق خائين محفوظ - و يا باسم آنها در بنكهای خارجه جمع خواهد بود

افتتاح مدرسه مبارکه نوروز

در ولاد قفقاز

(۱۴ شوال ۱۳۲۱)

رور يكشنبه ۱۴ شوال ۱۳۲۱ انجمن جشن افتتاح مدرسه مبارکه (نوروز) انعقاد يافت. حاكم شهر ولاد قفقاز و پوليس ميسر - رئيس پوليس - و فلاوا رئيس بلديه و غالب صاحب منصبان بزرگ روس و هموم نجار و اكابر و عايلای ايران در سالون مدرسه شرف حضور داشتند جناب مستطاب حاجي ملا اسماعيل آخوند سلمه الله رئيس روحانيه مسلمان ديمه مذهب ولاد قفقاز

خطبه فخرای مصلی داد تعريف علم و تربيتك مدرسه ودعای ده شاهنشاه، فلك حاء يعنى اعاليحضرت امپراطور روس و شاهنشاه ايران فرد خواند - پس ارآن حاكم شهر خطابه مبنی بر تشويق ايرانيان و تمجيد و تحسين جناب ميرزا داؤدخان نصرهالوزاره قونسل دولت عليه ايران در ولاد قفقاز كه مؤسس اين اساس سعادت شده اند النذاد كرم - و مد از آن پوليس ميسر و فلاوا و بعضی از صاحب منصبان و محررين دوزناجمات و ساير طبقات ماس هريك خطابه باينج و مؤثر تقديم كردند - سپس ميرزا حسين حاز مؤسس مدرسه و روزنامه كجا تبريز (۵) در شورش آخري بلده مزبوره آن اداره شريفه را نيز مهوب و مسدود ككردند) خطابه مفصلی ايراد نمود كه يك لاه صورت آنرا هم باداره معظمه محترمة روانا، متدسه تقديم مينمايد و چون مندرجات خطابه مزبوره خالی از فائده ملى نيست البته اعصای جبلالمتين انتشار خواهند داد

آخر الامر جناب قونسل به تقرير خطابه رطب اللسان گشت كه حضار را از شنيدن آن رك غيرت و حيت به جنبش آمده و از فرط سرور دها در سينه ميرقصيد - خطبه جناب قونسل اولاً مبنی بر حمد خدايوندی و تشكر حضار و معاونين مدرسه و دعای دو شاهنشاه بزرگ بود و پس از آن اظهار ميداشت كه فكر عالی و همت بزرگانشان فقط باين اساس مقدس محدود نخواهد بود و خيالاب بلند و خدمات صومند در نظر دارند -

من جمله پس از اتمام و اكالم نواقص مدرسه مريضخانه نيز برای فخرای مسلمانان ايراني تشكيل خواهد فرمود جناب ميرزا داؤد خان نصرهالوزاره الحق از جوانان تربيت شده غيور با همت و زيرك درستكار اين عصر است كه برای ما اسلاميان خصوصاً ايرانيان امثال اين قبيل رجال بلند خيال بسيار لازم است و همينكه يكي مثل جناب قونسل معظم پيدا شد حقيقه قدورش را دانسته تشكرات لازمه را از ايشان مضايقه نمائيم از آن بعد هموم حضار وارد اطاقهای اطفال شدند

دل افروز رمم افتتاح صخره و هزاران دلداری و امیدواری بر خاطر شکسته و جمد خسته دین و وطن میدهد - برپیشگاه باند عقل و اصاف و در معرض وسع ددایت و روایت هویدا و مبرهن است - که در این عمر ترقی حصر فقط ما ایرانیان از انوار علم و تمدن محروم و در ظلمت وحشت و جهالت غوطه وریم - و هر یک از وطن پژوهان غیرتمند برای تأمین شوارع استقبال ملت و شفای امراض ملالت اشمال امت آرزوهای دور و دراز و عقاید مختلفه دارد - بعضی بر آنند که راه آهن موجب احیای ملت است - و برخی قانونرا وسیله نجات و سعادت - و جوی زراعت و تجارت - و کارخانجات قومی و صنایع و اقسام مواد دیگر را - اس اساس ترقی و تقدم میبهارند - ولی مسلم دانشمندان عالم آست که سر چشمه فیوضات و منشأ ترقیات و منبع افتخار و اقتدار و دوائی دردهای بی درمان و شفای سرهای بی سامان همانا نوشداروی زندگی بخشای علم میباشد که جهان عدیم المثالش قرنهایست از دیدگان خواب آلود هموطنان مستور و ناپید است

در نماز خم ابروی وی از یاد آمد

حلقی رفت که محراب بفریاد آمد

آری علم است که با قدری بخار هزاران خروار را در اندک زمانی از یک گوشه دنیا به گوشه دیگر میبرد علم است که برقههای ناگهانی را البسه آهنین پوشیده و در آن واحد از شرق بفرس سخن نیوشد - علم است که انسان را مالک جوف مهیب دریا و جو وسیع هوا و خزاین خاک صحرا و دقایق سنگ خارا میدارد - علم است که بکارهای زمین قناعت نکرده با چوکان باند (لیسکوپ) گویهای بزرگ مثل ستارههای (اورانوس - و نپتون) را از صفحه آسمان میباید - بالجمله این همه استعداد و ترقیها فوق العاده اروپائیان که محبتش نیز بفر ما نگنجیده از قبیل (اضراقات اساطیر الاولین) می بنداریم همه از ویژه خوان علم است در وصف علم هر چه گفته اند و هر چه گوئیم بر داننده اوصاف بی پایان او هرگز

با همه جمیع اسباب و لوازم مکتب و ترتیبات اطاق شورای وکلای مدرسه بطور اکل مهیا و شاگردان و معلمین و وکلای مدرسه مهیا عموم حضار مجلس در یکجا جمع شده و باز هیئت نجمله عکس های مختلفه برداشته شد - و پس از صرف شربت و شیرینی و جای مجلس متفرق گردید و نیز جناب قونسل اظهار داشتند که آخر هر سال همین روز افتتاح را جشن گرفته انجمن انعقاد خواهد یافت - نظامنامه مدرسه مبارکه را نیز در آتیه اوسال بیداریم که اگر صلاح دانند درج در جریده مبارکه فرمایند -

(خطابه میرزا حسین خان مؤسس مدرسه و روزنامه کمال)

(بنام خداوند دانا و توانا)

با فر جهان داور و اقبال جهان دار
آریم متاع ادب و علم به بازار
نادم نشود هیچ فرو شده ازین بیع
مغبون نشود هرگز ازین صفقه خریدار
از شرق هنر سرزده رخشنده فیروز
بر مشرقیان برنده نوروز بیدار

بجسانك يا واهب الانسان منحة العلم والعرفان و

على اللسنة يجل الفصاحة والبيان فاحاط بجوارحه الجوارح
والتشارد و ادرك بما لبسته من النورانية الداني والباعد
قامتان هما سواء والفرد في الانتظام والتحكيم حتى قيل
ما هذا بشر ان هذا الاملك كرم والعلام على سيد المرسلين
و اصحابه الابعدين و اولاده المنتخبين الى يوم الدين

امروز برای اسلامیان علی الخصوص ایرانیان روزیست
بس فیروز و بمثابة فرخنده (نوروز) امروز از ظلام
آفاق استقبال ملت جرم درخشان معرفت طلوع کرده
و نیز اعظم سعادت از قبه برج حمل نمایان شده و عالم
اسلامیت و انسانیت را با لطف و مواهب بهار مسرت
بار خود مستغرق و مشمول میدارد

امروز دل هوای نشاط و طرب کند

جشنی شگرف گیرد و کاری عجب کند

امروز مدونه محترمه (نوروز) در محضر این جمع

ترسیم - و در حقیقت (عجز الوصفون عن صفته) چاره نیست الا اینکه گوئیم (بلغ العلی بکماله - کشف الدجا بمجاهله) حضرت رب العالمین و انبیاء صرسان و پیشوایان دین مبین چه احکامات متین و سفارشات اکیده در باب علم و عالم فرموده و کنوز مستوره علم و رموز ترقیبات و تقدیمات این عصر را با چه وضوح و اشارات حریجه افهام نموده - و ما بی چارگان و عاجزان آن همه بیمیای فوز و فلاح را که در واقع از قبیل اصول واجبات سنن سنیه ، شریعت باک است بجه مفتی و آسان از دست داده و از نظر دور انداخته و از لوح ضمیر نیز بکلی پاک کرده و بدشمنان دین و وطن بخشیده و خودمان کشکول گدائی برداشته از دزدان شوارع السائیت و اسلامیات در یوزه وار استرحام میکنیم - از آن قبیل در تنزیل بی عدیل میفرمایند (هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون) و در سوره عنکبوت وارد شده (و تلك الامثال نضر بها للناس و ما یعلقها الا الالمون) و ایضاً در همان سوره میفرمایند (هل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم) و حضرت رسول اکرم و هادی الامم صام میفرماید

تعلموا العلم فان العلم لله حسنة و طلبه عبادة و البحت عنه جهاد و مذاکرته تسبیح و تعایمه لمن لا یعلمه صدقة و بذله لاهله قریبه لانه معالم الحلال و الحرام و منار سبیل اهل الجنة و هو الایس فی الوحشة و الصاحب فی القریبه و المحدث فی الخلق و الدلیل علی السراء و الضراء و السراح علی الاعداء و الزین عند الاخلاء یرفع الله به اقواماً فی جمعهم فی الحیر و قاده و ائمة تقتص آثارهم و قتل بفساحم ترمق اعمالهم و تقبیس آثارهم و یرغب ملائكة فی خانهم و باجنحتهم تمسحهم و یستغفر لهم کل رطب و یابس و حیسان البحر و هوامه و سباع البر و العامه لان العلم حیات الدلوب من الجهل و مصاییح المعی ینفع العبد بالعلم منازل الاختیار و الدرجات العلی فی الدنیا و الاخرة التفکر فیه یعدل الصیام و مدارسته تعد الصیام به توصل الراحام و به یرفی الحلال و الحرام و هو امام العقل و العقل تابعه و یاهمه السراء و بحرمة الاشقیاء

و جای دیگر میفرماید (اطلبوا العلم ولو بالصین) اهالی چین که در اشد کفر و ضلالت میباشند از آنها نیز امر فرموده تحصیل نمائیم - و همچنین میفرماید (العلم علان علم الابدان و علم الادیان) علم ابدان را که عبارت از تعلیم امور دنیویه است بر علم ادیان مقدم داشته و باز فرموده (طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة) ظاهر حدیث نبوی اظهار میکند هر کس علم ندارد یکی از فرایض را ترک کرده یعنی باسلامیت خودش خلل رسانیده - اگر همه آیات و احادیث و امثال حکما را تقریر نمائیم سالیان دراز در کار دارد - برای نمونه چند را همرده که معلوم شود پیشوایان دین مبین ما از عوالم ترقیبات عصر جدید اطلاعات کامله بر ما عطا فرموده و راه عند و بهانه باقی نگذاشته پس در این صورت نهال این مدرسه مقدسه که از زمینه اقدامات و زحمات شخصی جناب جلالتمآب آقای نصره الوزاره کونسل دولت علیه ایران در ولاد قفقاز سرر آورده و از جو بیار معاونت و همراهی ارباب حمت ملی سیراب میشود یکی از بزرگترین نمای عظیمه خداوندی است که شکرانه آن بر عموم ماها واجب و بر هر صاحب احساس آدمیق لازم است - و این بنده به هیچ نیازنده که سالیان دراز جاروب کش آستان علم بوده و تاکنون در راه خدمت وطن از جان و تن مضایقه نکرده اینک توفیق خداوندی مجدداً بذل مساعدت فرموده جوشش دل و سکوشش اعضا یعنی رشته ایام قدیمه را از سر گرفته و براستهخوان های شکسته خود را مویبای حب وطن و خدمت چاره سازی مینماید

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

از خداوند خواهانم که دوام این شای قدسی را بادوران چرخ مفرس همنان فرموده و اعضا و معاونین محترم آن خاصه جذاب قوسل را که مؤسس این شای عالم آرای عظیم گشته اند از آفات محفوظ و بنهایت آمالشان که حسن اقبال انشاء وطن است سهمود و به تصور دارا

مکتوب از طهران

روز پنج شهم شهر ذی قعدة الحرام شاهزاده آزاده والا تبار بن الدوله که از کفالت محترمین شاهزادگان و رجال عهد فرخنده همایونی و در شاه پستی و اسلام دوستی و ملت نوازی شهره آفاق است - مورد توجه خاصه ملوکانه گردیده بایق نیکل وزارت اعظم (که در ایران تالی سدارت و در خارج صدراعظم شناخته میشود) مفتخر و مباهمی شدند - امید داریم این انتخاب ملوکانه مفید بحال مات و دولت اوفتد - و نیکویی امور را عنقریب بچشم مشاهده و بگوش استماع نمایم -

امور ملکی از کشوری و لشکری داخله و خارجه باندازه درم و برهم است که عموم اهالی حتی رجال دست اندر کار دولت در اصلاحات نهایت یأس و ناامیدی را دارند - معین است این یأس تا چه اندازه ما را عقب انداخته و طاقت بر ما چه خواهد کرد - امروز پنج ماه است از منزل امین السطان میگردد غیر از دو شنبه و جمعه در ایام هفته همه روزه دربار منعقد و گفتگوی اصلاح جمع و خرج در پیش - ولی تا کنون اهدا معین نشده که از چه ممر اضافه خرج را پیدا نمایند -

افواه بسیار است بعضی میگویند از پر گرداندن تیولات و خالصجات و کسر مواجب و مرسوم و اجاره ندادن ولایات بحکام و برگردانیدن مالیات قصابی و خبازی و محدود کردن خلعت بلکه موقوف نمودن وغیره وغیره اضافه خرج را تکمیل خواهند نمود -

ولی تا هر یک از این مراتب وجود خارجی پیدا نماید مثل آن است که شخص احمی لنگی بخواند از کوبر بیابانی خود را بمنزل مقصود برساند - مسلم است چه قدر خطرها در جلو دارد و بجه میزان طول طی مسافت اوست - در دستگاه دولت بدرجه تشکی و حطی بول است که از بیانش شرم دارم نه ماه است قشون و سرباز را بفر از سه ماه جیره هیچ داده نشده - مواجب و مرسوم ذوی الحقوق از سنوات قبل و هذالسنه در

عهدہ امویق است -

مع ذلک هر روز پیشویم و بچشم ملاحظه میکنیم که فلان وزیر که نامش در جراید داخله بشاه پستی و ملت نوازی و عدم خیانت نوشته شده و میشود و خواهد شد فلان دهی که دویست هزار تومان قیمت دارد بشدایبرهملی و از منسوب به تاد و پنج هزار تومان میخورد - و جهان شاهزاده ده حسن یوسفی را بیکصد هزار تومان یا کمتر تمام میبایا - فلان سرگروه و رجال عمارت و بانک بنا میبازد که دویست هزار تومان مخارج و مبل آن شاه است - شخص بیله وری لقب معینی یا ابینی بخود گذارده بتقویت خائنین حشت و جزیره و بلوک که ملک دولت است بانواع حیل میریابد -

جزیره (هرمز) که داری انواع و انسام معادن است از قبیل طلا - آهن - گل - سرخ - نمک - که تقدراً در آن مشهور و موجود است - و از انبیه سلاطین قسیم بوده - قلعه و انبیه آن که از بناهای محکم است بملاحظه اینکه کم نام شود خراب میکند - بلوک میباید که از توصیف آن قلم عاجز است بتصرف خود میآورد معذک با کمال جلالت و جرأت در طهران بکول زدن این و آن از املاک و جزایر زرخیز دولت را فرمان مالکیت صادر مینماید و ضمیمه سایر جزایر خود میکند - مثلاً شخص طالی که چند سال قبل با یک عبا وارد طهران شد - علاوه بر خلعت کردن ملت بچهاره بجان دولت افتاده خورد و پسرانش متجاوز از چهل هزار تومان باسامی مختلفه از جثه ضعیف دولت قطع کرده سالانه میبرد و حالیه پسرانش میبرند و هر روز برای دولت در داخله یک کره میرقصانند - و برای بجوی انداختن آب رفته مجالس غنی منعقد میکنند - نمک مات و دولت را زهر طار میکنند و همراهی با خیالات خائنین دولت و مات مینمایند - دولت عایه ایران بین سایر دول از حیث ثروت و نفول منتخب و معروف بود ولی امروز از یک نفر رجال خائن خود

بی ساعت تر گردیده - معین است وقتی که گرگان خون
خوار از اطراف وجوانت حلهور بخزانه دولت شوند
و هر يك بدرجه قوت و استعداد خود بجهان پادشاه
بیوفزند و مملکت را تاراج کرده بپتالمسال مسلمین را
چپاول کنند بهتر این نتواند -

عیب بزرگ ایران این است شخصیرا که ریاست
میدهده اسلح تمام خرابی را از او میخواهند - فرضاً اگر
آتش هم عالم و مافیل تمام امور هم باشد تدبیرش مکنفی از
اصلاح مملکت وفاق نتواند بود - پارلمنت و شورای
ملی و آردای جراید و افکار و علم است که اروپائیان
را بدین درجه و مقام نشانیده و رسانیده است -
ما هم دارالشوری و دربار داریم ولی صاحبان عقول
مستقیمه و اشخاص بمرض و فرض اجازه دخول
مان مجلس را ندارند - علاوه از مذاکره و مشاوره
آنها هم بی اطلاع میباشد - این است که دست
هر کاریکه میزنند کندش عالی را بر میکنند و
بمخاطرات بزرگ میسازند - روز بروز از هر و
بقای ملت و دوات گاسته میشود - فرضاً اگر یکی
دوتن از وزراء شاه درست ملت نوار مافیل
حق ورود در آن مجلس را داشته باشد کلا شرا نخرند
و آیش را مزسرف شمردن و نمکی برحرا حاش میباشد -
جز سهکوت و تصدیق از او نخواهند ورشته امری
باو بسیارند - سبحان الله

هفت شهر هشته را عطبار گشت

ما مانور اندر خم يك كوچه ايم

امپره ووقای مملکت جدا داد افغانستان ز که تا چندی
قبل حره مالک ایران و محکوم محکم ما بود (قوای مالیه و
حربیه اش بدرجه ارتقا جسته که مبابی فاشون را با
تمامی ملزوماتش در مدت دو سال کامل در مسابل
یکی از دول معطمه مانند انگلیس یا روس بختک
متواند مشغول داشت - که ابداحتاج بقرض خارجه و
داخله نشود -

دولت و ملت ژاپون را که تا چندی قبل روز

نامه ایران دزدان دریائی خطاب مینمود بدرجه
اقتصاد تمدن وقوت وشوکت نایل شده که دولتی مانند
روس از ترس و بیم آن آوده نیست - و از تلگرافات
چنان مستفاد میشود که با کمال جلالت وقوت دولت
ژاپون اقدام بخراب دولت روس کرده است

این درد را بکه توان گفت واین سنگ را بکجا
توان برد که دولتی مانند ایران که صیت حشمت و ثروت
و عظمت و شوکت و قدرت و قوت او بدرجه بود که
همسایگان و دولهای معطمه بدوستی و اتحادش نخرها
داشتند و از سولتش همواره در داخله خود متزلزل
بودند - امروز بدرجه تنزل کرده که اگر يك نفر
بافی یا سرکش در داخله پیدا شود نمیتوانیم چند
فوج حرکت داده در مقابش مدتی مقاومت نمایم
و بناچار از دشمنان خود مدد طلبیم - علت حقیقی آن
است که پول نداریم - آذوقه و مهبات حرب نداریم -
اعتبار در داخله و خارجه هم برای قرض نمائده عساکر
حالم بعلم نظام نداریم - بکنفر سرگرده مسلمان خدا ترس
شاه پرست دولت دوست باعلم در میانه یانصد کند امیر
تومان و سردار نداریم - ولی در خیانت بیادشاه
و ملت چیزی باقی نداریم - راه اتحاد و دوستی
با سمره همسایه و رؤسای مانگها و سایر ملوورین
پلایکی خارجه را بخوبی دانسته و میدانیم و اصرار
دولت و ملت را بشوئه ما دامهای گنده و نوبدهای
بی حقیقت آنها میروشیم - و از خدا و رسول
و پادشاه حیا نموده خودمان را حای نفوذ پلایک
احب در وطن مقدس خود قرار میدهم - مع ذلک نام
مسلمانی هم بروی خود میگذاریم و بیادشاه پرستی و
وطن دوستی خود را نامزد و معروف میسازیم - خدایا
مگر ما اهالی ایران را از رحمت خود دور نموده
غضب و سخطت را شامل حال ما بچارگان و درماندگان
گردانیده - چه میشد در دستگاه دولت ایران بکنفر
بمقتل و کفایت امیرافغانستان بودی که مضار اتحاد و دوستی
با الحانرا فهمیده بی مقاصد مکتوبه آنان برده سدی در جلو

خیالاتشان کشیده و دولت و ملت شش هزار ساله را از چنگال آنان نجات بخشد - فقط سطر چندی که بقلم امیر مرحوم سابق الذکر در کتاب شرح حالات خود و تهر بهائیکه در مدت عمر و امارتش حاصل کرده و بی بخیالات پلنیک همسایگان برده محض تذکره ملت و جانشینانش در آن مرقوم داشته برای اطلاع و تنبه آنانیکه در روزنامه ها دم از اتحاد با همسایگان میزنند و منتشر میسازند و ملت بی تجربه بی علم ایران را پایل بطرف پلنیک همسایگان مینهند نقل کرده اگر صلاح دانید بدرج در نامه مقدس حکم فرمائید و الا (بسوزان با آتش بریزش بآب)

◀ نقل از رساله شرح زندگانی ▶

(امیر متوفای افغانستان)

پلنیک روسها در آسیا این است بهر قسمیکه باشد خواه صحیح یا غیر صحیح خواه بطور دوستی و صلح یا بجنگ دول اسلامی را از صفحه آسیا بر اندازند و هو نمایند و خلی مشغوف خواهند شد که دولت عثمانی و ایران و افغانستان باقی نباشند - یا اگر باشند میخواهند همینقدر بمنزله آلتی باشند در دست آنها و در آن صورت محل اعتناء نخواهند بود بلکه وجود و عدمشان بالسویه خواهد بود - فقط بقای آنها منحصر خواهد بود بطول زمانیکه روسها آنها را بجهت پیشرفت مقاصد خود لازم داشته باشند

عمده مقصود روسها این است که دول عثمانی و ایران و افغانستانرا ضمیمه ممالک خود ساخته بلیع نمایند در صورتیکه این مقصودشان پیشرفت نکرد آنوقت سعی خواهند نمود که دول اسلامی را از دوستی دولت انگلیس منصرف نموده آنها را بطرف خود جذب نمایند تا آنها بمخالفت انگلیسها برخیزند - در این حالت دولت روس اینها را بخود کشیده تمام خواهد نمود دولت روس در خیال این است که اگر به یکی از این پلنیکها هم کامیاب شود پلنیک سومی اختیار نماید و آن این خواهد بود که بین انگلستان و دول اسلامی

تولید تقارور بخش نماید - بطوریکه موقی بدست دولت روس بیاید که بجهت تقسیم دول اسلامی با دولت انگلیس قراری بدهد و بدستاری دولت انگلیس عموم مسلمانان آسیای وسطی را از اسامه طاری نمایند - آخرین و معتنا ترین پلنیکیکه دولت روس در نظر دارد این است که دول و طوایف متعدده اسلامی را آسیا را در حالت ففاق بیندازد و آنها را از دولت انگلستان مجزی نماید - دولت روس خوب میداند اگر یکوقتی با یکی از این دول اسلامی یا با دولت انگلیس جنگی داشته باشد تمام رطایب مسلمان خودش شورش خواهند نمود و این امر بجهت دولت روس خیلی اهمیت خواهد داشت - زیرا که اگر این شورش عمومی اتفاق بیوفتد تمام ممالک وسیعه دولت مشارالیه تجزیه شده بامارات کوچک منقسم خواهد شد و همین قسم تمام سلطنتهایکه تابع ظلم و ستم میباشند منقرض میگردند - برای اثبات صحت این مدعا که دولت روس میخواهد دول اسلامی را تمام نماید یا اقل آنها را ضعیف نماید واقعات تاریخی از منته گذشته کفایت میکند که اشخاص صاحب کمال و اشخاصیکه در کارهای پلنیک و امورات آسیا بصیرت دارند بآن رجوع نمایند -

امتیازنامه راه آهن از طهران بشمیران که یکی از نهار داخله بنا بود داده شود در عهده تعویق مانده - علتشرا این میگویند که روسها مدعی شده اند که تا دو فرسخی دور شهر تمام راهایش مال ما میباشد - از قراریکه از شخص با اطلاع موقی شنیده شد در امتیاز نامه روسها بدو چنین شرطی نبوده و ملحق بآن شده است کی کرده و چه شده لازم بذکر نیست

شاهزاده سپهسالار چند روز بود علت مزاجی مارض وجودشان داده خلی هم در انظار علتشان سخت بود - محض نشنی و رفع علت بتصویب شاهزاده وزیر اعظم اجازه و رخصت رفتن بخراسان را گرفته ولی افواه است که این مرض نبوده تمارض است زیرا که این سردی هوا و بیاباری حرکت کردن

مزید علت میشود - باید زیر کاسه نیم کاسه باشد که بعد بین خواهد شد - گویا از طرف روسیه بارض اقدس مشرف شوند -

رئیس بانک استقراض اتوویت و نعمت فلان و فلان که و سالی قریب در داخله میباشد (نوت) طبع و ... شده است - رئیس بانک شاهنشاهی مدعی شاه - بدستورالعمل فلان رئیس بانک استقراضی جواب رئیس بانک شاهنشاهی را چنین میدهد -

اهلاما برای تسهیل امر تجارت خودمان و ارسال ... هر دو ... بانک ولایات است که نوت طبع نموده ایم -

نیاً چنانچه کبابی قانس رواج نوت در شیراز و شهر داده ما هم حق داریم رواج دهیم فلان متمهد شده است هر چند نوت روسها را رواج دهد - نقداً روسها باکال - حالات در انتشار نوت خود سالی و انگلیسها در گفتگو میباشد - گویا روسها در این فتره غالب شوند - زیرا که جمیع تجار محرم و معمول ایران را رو بخود و هر يك را باندازه استعداد و ثروت زیر بار قرض خویش برده - چنانچه مبالغ شصت و چهار کرومومان از زمانیکه شعب بانک خود را بازو امتیاز گرفته بمالك ایران ببرد تجار داخله را زیر بار قرض نهوده - علاوه بر آنچه رجال و ملاک و دیگران را مقروض خود کرده است - باید بحال مملکت گریه و نديه نمود که ملک و دولتش متجاوز از یکصد کروم نقداً مقروض مسایه قوی بجه خود باشند

حجة الاسلام والمسلمین بندگان آقای امام جمعه طهران که چهارم شوال ۱۳۲۰ از طهران روانه بجانب کعبه گردیده بودند چهارشنبه نهم سهر ذی قعدة ۱۳۲۱ باکال صحت و نهایت جلالت و عزت وارد طهران شدند در سورنیکه جمیع عاهاء اعلام و شاهزادگان عظام و رجال و وزراء و اعیان و تجار و کسبه ذواخرو الاحترام باقم و دو منزلی و حضرت عبدالعظیم باستقبال معظم الیه رفته در هر منزلی هر يك از اکابر و اعیان دعوت شام

و نهار نموده کمال پذیرائی را بجای آورده -

منجمله حاجی محمد حسین امین الضرب زاده که او این تاجر محترم و متمول طهران است نهار بسیار مفصلی در حسن آباد و شام همان روز را در کافه رشک که محل کارخانه قندسازی میباشد (که کسش دایر و ناکسش به ملاحظه نفخ همسایگان باثر کرده) تهیه نموده بود که تمام استقبالها را کافی گردید - و نهار همان روز را در حضرت عبدالعظیم در باغ حاجی ملک صرف فرموده عصر را وارد شهر شدند - تمام بازار و کاروانسراها و وزارتخانهها که اسم بی مسمی میباشد تعطیل - و باستقبال رفته بودند - از طرف قرین الشرف هایونی نیز همه قسم احترام و پذیرائی که در خور مقام آقای امام بود معمول داشته منجمله امر نمودند از قورخانه مبارک مسجد شاه را شب ورود و شب بعد جرافان کردند و بازارهای اطراف مسجد شاه را نیز کسبه جرافانی و آئین بسته شربت و شیرینی محض سلاقی ورود امام بذل نمودند - خیر خواه (م - ع)

مکتوب از ولاد قفقاز

جناب مستطاب اجل اکرم آقای مشیرالمملک وزیر مختار دولت علیه ایران در دربار دولت بیهیه روس که بواسطه کارهای لازمی در طهران شریف داشتند و در اوایل رمضان المبارک از راه رشت طازم پترسبورغ که محل مأوریت ایشان است بودند - چون جناب مستطاب اجل احکرم آقای معاون الدوله وزیر مختار دولت علیه ایران در جزیره نیای (بالکان) و (یونانستان) بواسطه معالجه و دفع نقامت مزاحمان از جندی باینطرفی در ولاد قفقاز شریف دارند لهذا برای ملاقات جناب معظمه در پنجم شهر رمضان المبارک با واغون مخصوص شریف فرمای شهر ولاد قفقاز گشتند - و جناب منتمد السلطان میرزا داؤد خان (نصره الوزاره) کونسول دولت علیه ایران در ولاد قفقاز تا با کعبه از سفر معظم استقبال کرده - در حین ورود هموم تجار و تشبه دولت علیه ایران و اجزای

کونسولگری و (پولیس میسر) یعنی نیکلریگی شهر بلاوه
 قالب صاحب منصبان روس در اینستگاه راه آهن ولاد
 قفقاز از قدم مباحین لزوم وزیر مختار معظم پذیرائی
 کردند - پس از آنکه عموم مستقبائین را فرداً فرد
 اظهار تعلق و احوال برسی نمودند - با کالسکه مخصوص
 بدولت سرای جناب اجل اکرم آقای معاون الدوله
 نزول فرمودند - در بین راه (پولیس میسر) - واره
 در جلو کالسکه تادم در برای احترام همراهی نمود -
 روز بعد طرف عصر در حالتیکه عموم محترمین و تجار
 تبعه ایران در سالون کونسالخانه حضور داشتند جناب
 وزیر مختار معظم با قدم محترمشان اداره کونسولگری
 را سرافراز فرموده و حضار محترمین را با انواع
 محکام و السلف بزرگانه خود - مسرور داشتند
 و در حین ورود رسم قربانی و تشریفات دیگر کاملاً
 بعمل آمد - پس از ختم مجلس صرف چای و شیرینی
 فرموده شرف افزای دفترخانه کونسولگری شدند - جمیع
 دفاتر و تحریرات و کارهای کونسالخانه را با دقت هر چه
 نامتر ملاحظه فرموده از درست کاری و کفایت و نظم
 کارهای جناب میرزا داؤدخان نصره الوزاره بسی تحسین
 و تمجید نموده پس از آن معاون و اجزای کونسالخانه
 را فرداً فرد مورد الطاف و امانات کماله داشتند
 سپس از مدرسه جدید موسوم به (نوروز) که بتازگی
 بحسن اهتمام ملت پرورانه جناب نصره الوزاره برای
 تربیت اطفال ایرانی تشکیل یافته که تفصیل آن نیز در
 ورقه جنابانه معروض گشته حرف بمیان آمد - و چند
 نفر از شاگردان که تازه لباس رسمی مدرسه را در
 برداشتن بنظر مبارک رسیده ازین یکی نیز چشم جناب
 سفیر روشن و دلشان شاد و هزاران تحسین و آفرین
 خواندند و مبلغ سیصد منات بدفتر امانه انعام فرموده
 و مقرر داشتند که همه ساله یکصد منات از جیب مبارک
 بطور استمرار مبدول دارند - فردای آنروز هم در
 محبت جناب اجل اکرم معاون الدوله پیش از ظهر

داستان روسیا

(عطف بمسابق)

(گذارش آغاز شدن جنگ با عثمانی)

امپراتور روسیه پیش از آنکه آهنگ رفتن بقرم نماید
 از برای آگاهی دادن (سرجو) نامی را بدربار عثمانی
 روانه نمود - پس از آمدن اسلامبول و آگاهی دادن از
 برای عثمانی با خواندن بجنک یکی نمود - گذشته از آن
 کار پرداز روسیه از روزگاری چند در اسکندریه از
 هیچگونه شورش و آشوب بر سر با نمودن درباره
 مصر و مصریان خود داری نمی نمود - و کار پرداز
 دیگر روسیه که در از میسر بود او نیز مردم را فریب
 داده بشورش باز میداشت و همچنین کار پرداز بغداد

بیشتر از آنان در برافروختن خودکشی مینمود -
 و کشتی‌های سوداگران روسیه هم چشم از میان
 پوشیده و بنا را استیهای گوناگون گستاخی میورزیدند - و
 نمایان بود که رفتار همگی آنان از روی فرمان دربار
 روس است - بریزه که نوشته های روسیه که از روی
 فریب به ابراهیم بیگ که یکی از بزرگان مصر بود نوشته
 بودند بدست آورده و بر نیرنگ و فریب آنان آگاهی
 یافته بودند - و بخوبی بکپی و ناراستی و بد اندیشی آنان
 پی برده و از برخی چیزها که نوبنو رونمود میگردد
 یکباره از درستکاری و درست گفتاری دربار روسیه
 آنا را ناامید نموده بود - که ناگاه گذارش رفتن امپراتور یجه
 با امپراتور اتریش بفرم بمیدان آمده مایه اندیشه های
 دورود را زگردید و انگریزم از میان سوداگری روسیه
 با فرانسه دلگیر و پروسیا هم هرگاه بیاد می آورد برتری
 یافتن نیروی اتریش را که مایه زیان او بود رشته شکیباییش
 از هم می گسیخت - و انگریز و پروسیا آمدن آنان را
 بفرم مایه یشرف آرزوی خودشان انکاشته و دست
 آویز خود نموده و بنیاد ترساندن عثمانی را گذاردند -
 و با این دست آویز و امیدواریهای گوناگون که عثمانی
 دادند او را بستیز و آویز با روس وادار و بسختان
 پسندیده رک مردانگی عثمانیان را تکان داده و از برای
 آماده ستیز شدن و گرد آوردن ساز و برگ جنگ
 وادار نموده پس از دربار عثمانی فرمان رفت که بزودی
 آنچه در کار جنگ است آماده نمایند -

در آغاز چهار کشتی (خاباق قالدان) و چند
 (فرقتین) بدریای سیاه فرستاده شد و هنوز امپراتور یجه
 در (کرسون) بود که در کلوگاه رودخانه اوزی لشکر
 انداختند و بر زمین که همواره در اندیشه ستیز با عثمانی
 بود از برای آنکه نخست عثمانیان بجهنگ آفازند همیشه
 بکارهاییک پادشاه عثمانی را بجهنم آورد می پرداخت -
 و این آرزوی او نه از برای کشور کشائی بود بلکه
 چون دو روسیه نخستین نشان (کوالیرسون جرج)
 را میدهند مگر برمداری که در جنگ فیروزمندی بسیار

بزرگی دسترس کرده باشد - و او بهر پایه برتری
 یافته بود مگر آنکه با سرداری بجهنگی نرفته و دارای
 این نشان نگردیده بود - از این رو خواهان جنگ بود
 مایه این جنگ را (اسکور) نام فرستاده فرانسه
 بدینگونه نکاشته - که چون روسیه از دوست یگانه دیرین
 خود پروسیا دست برداشته و با اتریش پیوست و با
 فرانسه نیز میان سوداگری که هرگز کان غیرت بمیان
 آورد پس از آن بفرم آمده با پادشاه (له) و (اتریش)
 دیدن و گفتگو نمود اینها همگی مایه داغ درون پروسیا
 شده و انگریز نیز هوجار اندیشه گوناگون سکردیده
 بود که مسادا فرانسه و اتریش و روس هم میان گفته
 و کشور عثمانی را بخش نمایند - پس از آن پهنای کشور
 و نیروی هر یک از اندازه بیش شود - از برای آنکه
 هنوز که کار از کار نگذشته جلوگیری و چاره نیابد
 انگریز و پروسیا بفرستادگان خود که دربار عثمانی داشتند
 فرمان دادند - که شهریار عثمانی را به بیم و ترس بپندازند -
 آنان از برای روانی دادن فرمان پادشاهان خود بدین
 گونه آغاز سخن رانی و کاروانی نمودند که اینک کار
 روسیه در هم است و کینه اش یکباره از زرتی و در
 کهورش گران بسیار سختی که او را بی آرام دارد
 رونماست - و ازیکسو (اسوج) را هم کارد به استخوان
 رسیده و لاهویان هم در کین خون خواهی لغسته اند -
 و اگر هراس آن باشد که اتریش با روس در جنگ
 همراهی خواهد نمود روا نیست چون چنین دلیری و
 گستاخی کردن نتواند - زیرا هاندم پروسیا بر او تاخت
 خواهد برد - و از آن گذشته مردمان (بازیسی) را
 پروسیا بر او شورانیده و در سرش هنگامه بزرگی
 است و به (اسوج) هم گفتند که کار روسیه نپاهست -
 و اینک که با عثمانی در جنگ است هنگام کارست - و
 انگریز با کشتی های جنگی و زربنو باری میکند - و از
 پادشاه عثمانی هم از برای تو پول میگیریم - امیدوارها
 که انگریز و پروسیان دادند عثمانی را دلیر نموده در

سامان کهور بسازو آمادگی سپاه و لشکر بسیار بزرگی برداشته و جنگ را آماده شده -

در آن هنگام فرستادگان روسیه و اتریش که در اسلامبول بودند بقرم رفته بپادشاهان خود آگاهی دادند و براسی در همان روزها مردم (با تریبایی) بشورش برخاسته و امپراتور اتریش را بی آرام نمود و روسیه هم از بسیاری تنگی و بی چیزی و گرانی و نایابی که در کشورش رو نموده بود تاب جنگ نداشت و از پروسیا و انگریز هم بدکان بود - پس از برای آنکه جنگ را پس انداخته و آرزوی خود را در هنگامش بدست آورند بفرستادگان خود سپردند که چیزهاییکه حایه دلگیری عثمانی است خواهش او را به پذیرند - و آنان نیز پس از برگشتن به اسلامبول چنانچه فرمان رفته بود به آرامی عثمانی کوشیدند - ولی از سوی دیگر فرستادگان انگریز و پروسیا به پادشاه و درباریان عثمانی رساندند که بسختان آنان فریفته مشوید چونکه میخوانند شما را فریب بدهند تا سپاه آماده را پراکنده نمایند - پس از آن بر شما بشازند و آرزوی خود را بدست آرند - از آنرو پادشاه عثمانی جنگ را آماده گردیده و بسختان آنان گوش نمود و سود انگریز در اینکار آن بود که اگر فرانسه در این جنگ از عثمانی یاری نماید امپراتوریجه را شرمساری دست دهد - و بناچار پیمان سوداگری که بسته است برهم زند - و اگر بدوستی روسیه برخیزد ناچار از بهره و سودیکه سالیان دراز از کشور عثمانی برمیداشت نا امید خواهدگشت - و سود پروسیا در اینکار آنکه شاید گرفتاری دشمن دیرین خود اتریش را بیشتر و به سرکوبی روس که دوستی او را رها و با اتریش پیوسته دسترس تواند شد (باقی دارد)

مکتوب یکی از ارباب غیرت

مؤیدالاسلاما - در شماره چهاردهم مورخه هفدهم رمضان و شماره یازدهم مورخه بیست و چهارم شرح

مسافرت لرد کرزن فرمانفرمای هندوستان را بخلیج فارس درج و در آخر اظهار تأسف نموده بودند که گویا بواسطه امر جدیدی که از جانب دولت علیه ایران درباره امور غیر معلومه رسیده اندک پیچیدگی پیدا شده بدالسبب فرمانفرما در بوشهر بخشکی نیامده و اجمعی را چنان گمان نموده بودند که ناشی از تشبثات اجانب بوده است -

هیات هیات دولت علیه ایران در حرکات خود آزاد و هرگز تابع خیالات احدی نبوده و نیست و اگر در برخی موارد طریقه افغاض را پیش گیرد محض رعایت جانب مودت و اتحاد است - و الا شما خوب میدانید که تا يك اندازه رجال با اطلاع از حقوق دول در برابر دولت متبوعه ام موجودند - و هیچ نکته از نکات حقوقیه را از نظر اعتبار و اعتنا دور نمیدارند - و ایهم مسلم جهانست که سیاحت جناب لرد مشارالیه هاری از لباس رسمیه بوده و در آنصورت کیفیت قبول ایشان راجع برای دولت است -

اما دولت علیه ایران نخست محض اتحاد دو اتین و در تالی بوجهه طالبجنابی و مهیان دوستی که از خاصه های بسیار پسندیده و تا یکدرجه مخصوص دولت و ملت ایران بوده و هست فوق اندازه و بیش از لزوم در خصوص حسن قبول آن مهیان محترم خود حاضر گردیده بودند - افسوس که نتیجه عکس آرزو بروز نمود - لذا جهت رفع اشتباه معتزکن آن اداره مقدسه خلاصه اوراق رسمی را که فهاین تعاطی شده ذیلاً مینگاریم

نخست از سفارت انگلیس در طهران بوزارت جلیله خارجه آگاهی داده بودند که فرمانفرمای هند جناب مستطاب لرد کرزن جهت سیر و ملاقات قونسول و قونسولهای دولت انگلیس اراده سیاحت غیررسمانه در خلیج فارس دارد - و مائل است محض اثبات دوستی و استحکام روابط دولتین در برخی بندرات ایران بخشکی آید - اگر ممکن است از جانب دولت قدیمی

شوکت علیه ایران مأموری جبهه پذیرائی به بندر بوشهر روانه فرموده آید -

دولت علیه ایران طالبجنازه حرکت فرموده و محض استحکام و تشدید مبانی اتحاد و دوستی نه بملاحظه اصول تشریفات که تمام ارکان دولت خاصه مأمورین وزارت خارجه هاشان محیط بر آنست و میدانند موافق قانون حقوق دول پذیرائی فوق العاده جبهه اشخاص بسیار محترم که با مأموریت رسمی وارد خاک دول متحابه میشوند بتوسط رجال معتبری مانند جناب مستطاب علامهالدوله فرمانفرمای فارس میبود -
 محضام محلیه هر بندر مأمور به پذیرائی میکردند -
 جنازه حضرت اشرف والا مؤیدالدوله را که از بی اهم سلطنت است و سفیر کبیر فوق العاده بود در لندن (جنرال کوردن) که سابق اتالیقی مائری سفارت انگلیس بود پذیرائی نمود - و همچنین جناب ناصرالملک را که سفیر کبیر فوق العاده بود تمام دول اروپا بهمانطور پذیرفتند - با همه اینها دولت علیه ایران محض اثبات منتهای بایه دوستی خواهش سفیر را پذیرفته جناب مستطاب علامهالدوله فرمانفرمای فارس را که از احواله رجال دولت است جبهه پذیرائی کرد مشارالیه مأمور بندر بوشهر فرمود

اول از طرف سفارت انگلیز خواهش شده بود که جناب علامهالدوله بکشتی رفته و فرمانفرما را قبول نماید و فرمانفرما هم در بوشهر به قونسلمخانه انگلیس وارد شود چون مخالف اصول بود پذیرفته نیامد - پس از تعاطی نوشتهجات متعدده بالاخره بسفارت انگلیس رساله خبر داده شد که دولت علیه ایران حاضر است بوجه اتحاد بموجب مقررات ذیل قبول و پذیرائی نماید در لنگه و بندر عباس حاکم بنادر سالار معظم بکشتی رفته فرمانفرما را از کشتی بساحل آورده و پذیرائی خواهد نمود - در بوشهر نیز سالار معظم فرمانفرما را از کشتی بساحل آورده و در ساحل جناب علامهالدوله پذیرائی و بالاضافه تا عمارت مدحهالدوله که جبهه

آسایش جناب لرد کرزن معین شده رفته سپس با اقامتگاه خود معاودت و پس از نیم ساعت جناب لرد کرزن از جناب علامهالدوله باز دید نموده باز آن بعد در رفتن قونسلمخانه اختیار با جناب فرمانفرمایست و بطعام شباهه مهمان علامهالدوله خواهند بود - چون وزیر مختار بسبب ضیق وقت بطرف بندر رفته بود پروگرام منبور را تلگرافاً به لندن خبر داده پس از چند روز از طرف سفارت انگلیس رساله با نوشته بوزارت جاپله خارجه خبر دادند که جناب مستطاب فرمانفرمای هندوستان لرد کرزن پروگرام وزارت خارجه را پذیرفتند - و منبوره برکال مودت و اتحاد که فهایین دو دولت موجود و برقرار است لرد معظم منزلهای که نماینده دولت تعیین نموده منزل خود می شاربند و سخن ختم گردید - دوباره بکشته بود و فرمانفرما مانده از طرف سفارت انگلیس اظهار شده خانه که از جانب دولت جبهه ورود فرمانفرما تعیین نموده اند از ساحل دور است و جناب لرد کرزن درد کمر دارند بهتر اینست که منزلی نزدیک بساحل تعیین شود - اینخواهش سفارت نیز پذیرفته آمده و بجناب علامهالدوله تلگرافاً امر داده شد که نزدیک بساحل منزلی معین نمایند - مشاراً الیه محل حکومت را که معروف بچهار برج است آماده نمود سه روز بود و فرمانفرما مانده از طرف سفارت اظهار شد مناسب نیست که منزل مزین و مهمان در يك مکان بوده باشد - بهتر آنکه جبهه نزول فرمانفرما مکان دیگر مشخص شود - مجدداً امر تلگرافی رفت که منزل دیگر معین شود - لذا امیره را جبهه ورود جناب فرمانفرمای آماده نمودند -

روزیکه باید فرمانفرما وارد بوشهر شوند تلگرافی بوزارت خارجه رسید که فرمانفرما آمده اند اما از کشتی پیاده نمی شوند و اظهار میدارند که باید شخص علامهالدوله بکشتی آمده مرا بساحل ببرند - تا آنجا منزلی را که جبهه ورود ایشان تعیین شده نمی پذیرند و میکنند بقونسلمگری وارد خواهند شد و جناب علامهالدوله

باید تا قولنامه همراهی نمایند - لذا از وزارت جلیله خارج جواب داده شد که در ظرف یکماه سوال و جواب محض انحصار و دوستی همگونه خواهشهای سفارت را پذیرفته و بموجب نوشته رسمی پروگرام پذیرای و تشریفات ترتیب و از طرف سفارت دولت متبوعه ایشان امضا و قبول شده است اگر عدول از قرار داد رسمی را نه پسندیده و وارد شوند از ورود ایشان بوجه انحصار و یگانگی خودداری از اظهار خوشنودی نخواهم نمود و الا باکمال تأسف عدم تبدیل و تغییر پروگرام را بیان مینمایم

سبب آنکه جناب فرمانفرما در بوشهر پیاده نشده اینست که قلعی شد - بی نخستین بار نیست که رجال دولت انگلیس با اینگونه بهانه جوئی و عهد شکنیها مراتب مودت را مکرر نموده اند - ولی از شخص شخص جناب لرد کرزن که در هر خصوص دارای مقامی منبع و رأی مستقیم میباشند هرگز این روش را گمان نمی کردیم - قدرت و قوت دائم باید زیب و زینت عالم مدنیت گردد نباید با کهن دولت مستقیم الاطوار متحدالافکاری مانند ایران ایتروش را نیکو انگارند با همه علم و دور اندیشیها که در قوم با فرهنگ انگلیس موجودست وضع بولتیکی را که با ایران پیش نهاد نموده اند ظاهرآ نتیجه اش نیکو و در خور تصور باشد - چون از بیان مافی الصمیر و اظهار اسباب و علل معذوریم - امیدوارم که بزرگان مال اندیش آتقوم بحیب دانشمند این مختصر بیان ما را یادداشت نمایند تا هنگامی که اش فراز آید - و بر خطا و سهوی که رفته است ملتفت گردند هر چند افسوس بر گذشته سودی بخشند دولت علیه ایران در مهمان نوازی مشهور آفاق و در درست عهدی یگانه و طاق بوده وهست - ممکن نیست از قرار مصدق رسمی درباره تشریفات پذیرائی چنین مهمان محترمی با وجود اتحاد و دوستیهای دیرینه انحراف ورزد - چه بریکه مایه تحیر و تأمل میباشد اینست که طاهر جناب مستطاب لرد کرزن که شخص اول

دولت نفیحه انگلیسه است با آن اطلاعات کامله که دارند چرا باید ایتروش را شایسته و روا شمارند - و لو آنکه در میان دول اینسائل را اهمیتی نتواند بود - ولی نباید اذهان جمهور را بوجه دیگر منحرف سازند بلکه باید کاری نمود که این دولت لرداً فرد حاضر باشند بجهت حفظ مراتب اتحاد و اتفاق و استفاده از آن از ین بیشتر گفتن نشاید - سخن دارم ولی ناگفته باید (ر - ض)

مکتوب یکی از سربازان

فوج خسته

اجزای اداره روزنامه مقدس جبلالمتین را زحمت افزاست - زحمات احزا و اعضای اداره اسلامیة روزنامه ملیة مقدسه را در وطن خواهی و ملت دوستی اظهار نمودن بیان بدیهیات است - و این سرباز ملت را هم تا آن پایه املاء و انشاء نیست که خود را داخل سلك نویسندگان نموده برای رزین و خیالات متین از راه ملت دوستی و دولت خواهی رهائی و شروحانی که مفید بحال دولت و ملت باشد در روزنامه مبارکه درج و نشر نماید و دست بکاری رند که با رزوهایی وطن پرورانه نائل گردیم -

دو فقره از و انصحات امور وطن عزیز که این بنده بخوبی مسبوق و بر سر خودم آمده عرض می نماید تا معلوم شود که باین زودی با این وضع موجوده برقی ما مثل ژاپونیان امکان ندارد و رفع تعذبات از اهالی وطن عزیز ما یکدفعه امکان پذیر نیست اول باید در رفع عیوبات داخلی کوشید تا بعد از آن بمقامات عالی که سایر دول ارتقا جسته اند بتوانیم قدم نهاد دولت علیه ایران در هر یک از ولایات محاکم محروسه هنوز چند یارچه دهات باسم خالصه دارد که مخصوص بدولت ابدآیت است - که آنها به نیول صاحبان واجب و مستمری و وظیفه نرفته - و این دهات و قرای خالصه در هر ولایت از جانب وزارت خالصه جات

بیکتفر و گذار شده آنها دعوات و فرای -
 و قبل از هید بازاد میگذارد که هر کسی هر چه
 را که بخواهد از دیگران زیاد داده باو اجاره دهند -
 بجز آن چیزی تا یکسال رعیت آن قریه را بآن شخص
 بفروشند - پس از آنکه که باجاره دادند شخص اجاره دار
 بآن شخص تمام بآن ده تریف میباید رعیت بجز آن بدو
 باید جا و مکان او را معین و خارج و اسباب استراحت مالک
 مولی خود را تهیه نماید و در حال هرگونه مشق او باشند
 خدای بخواسته اگر آن سال غله و محصول آن قریه
 خوب نشده یا آفتی برسد اجاره دار قریه وجهی که داده
 برتایا باسم سرشکن و عارض و غیره تحمیل نموده
 میگیرد ادا ملاحظه در کار نیست که حاصل نشده رعیت
 متضرر گردیده از کجا بدهد - ایست که رعیت دهات
 شاه متفرق شده بدولت ضرر نماید میگردد بجز آنکه
 زیربای خود را فروخته مال الاجاره را پرداخت می کنند
 و در سایر امور آن هم معلوم است که چگونه با آنها
 رفتار مینمایند آنچه بر سر خود آمده اگر هر قدر کم
 وقت دست خواهد داد

پس از اینکه وجه مال الاجاره را برتایا پرداختند
 رعیت را و او دار مینماید که هر ایضاً بدوات داده که
 امسال زراعت و اشجار ما را آفت رسیده است
 همان عرض حال را به دولت تقدیم و آخر سال مبالغی از
 حایدی دولت بریده نمی دهند - این مالیات دیوانی
 بزیادتی از رعیت دریافت شده - از دولت هم مبالغی از
 کم نموده - بکیسه مفت خواران میرود - رسم اجاره
 دادن و سال بسال بوجه اجاره افزودن باین وتیره و
 ذوال رعیت را بریشان و متفرق و دولت را متضرر
 نمیکند و کیسه مفت خواران برمی شود

بعضی از وطن خواهان در باب پیشرفت قشون
 و عساکر دولت علیه افکار عالی و طرح اندازهای متعالیه
 مینمایند - آنچه این بنده که یکی از افراد قشون ظفر نمون
 مسبقاً است عرضه میدارد چندین سال است که سرباز
 بی از صاحبان املات گرفته می شود این قریه

بکلی کار قشون ایران را ضایع نموده که اغلب سرباز و
 توجی لڑ اشخاص لا اقلی و بر سرباز را صاحبان املات
 بول داده عوض می گیرند وقت ستر نویسی باید اول
 یوز باشی را دیده باو وجهی داده که قبول آن سرباز
 زبار را از صاحب ملک به نماید بعد از آن یوز فوج و
 سر کرده را که سرتیب است باید دید - و هر سال
 صاحب ملک باید وجهی بآنها بدهد پس از چندی
 صاحبان مناصب همان سرباز و توجی بدلی را که یادار
 میکنند و او دار مینمایند فرار نماید یا بطرفی برود و
 فوراً يك نفر مأمور میشود که سرباز فلانی فرار نموده
 باید عوض بدهد تا کسر فوج درست شود - صاحب
 ملک هر چه داد و فریاد می زند که فرار نموده پیدا
 نمائید بخرج بپیروید باید حکماً سرباز خود را بدهد
 ناچار دیگری را پیدا می نماید بطریق اول این فلان هب
 داد و فلان است باز وجهی از او گرفته قبول مینمایند
 هرگاه کسی که سرباز و یادار او فرار نموده و سد
 مداخل صاحبان مناصب و سرتیب شده او را بیک اسمی
 که معلول است یا دندانش افتاده فشنک را نمی تواند در
 محاربه دردمن گیرد معزول مینمایند که برای جسارت است
 که بگوید ای با پاچه سرباز کدام محاربه این سرباز و
 توجی که هستند بعضی سالهای سفر نمیروند -
 باری دولت مواجب و جیره میدهد ولی سر کرده
 باز برای مدخول خود بهر نحوی باشد سالی یکدفعه
 بشهرها خبر قراول میدهند - هر سرباز پنج شش تومان
 بدهد مرخص است آنها بیکه بول ندارند حاضر قراول
 میشوند سه چهار ماه باسم قراول در شهری مانده
 امروز جیره خواهیم داد فردا میدهم یکدفعه بهانه
 درست می کنند مجدداً باید سه ماه قراول بکشید - از
 یکطرف هم یوز باشی سربازها را میگوید هر کس ماهیانه
 بدهد مرخص خواهد شد از میان اینها هم هر کدام بولی
 پیدا نمایند مرخص می شوند - کتر از نصف فوج باقی
 مینماند بنای جیره دادن میشود فوج خبر میدهند در
 فلان روز حاضر بشوید از سربازهای مرخص
 هر کدام نزدیک بشهر اند او را حاضر می میکنند

و بجای سربازها که دورند - روز سان فله اسیر کرده
سان میدهند و جیره‌ها سرگروه و صاحب منصب
میخورند - پوشش این سرباز و توپچی را شرح دادن
اسباب بدنامی خود ماست دولت هم مواجب و هم جیره
و هم لباس میدهد ولی همه هند میروم حدای من
دلناست آنچه را عرض کردم بدون پیش و کم است
اول قراری بگذارند که مالیات را از رعیت هر
نوع میسر کنند دولت برسد اجاره و فروختن رعیت
قدغن بشود که رعایا آورده و دولت هم مالیات خود
برسد و سرباز در صورتیکه دولت مواجب و جیره
میدهد چرا دیگر نبخورند و بجهت جبهه برای یک نفر
یا دو صاحب ملک را که رعیت دولت است از پابندارند
یا یکدفعه این قرار پادار برداشته شود یا پسر و برادر
یا خود صاحب ملک را سرباز و توپچی نمایند - منظور
از تطویل و تشریح اینست که بیاعتدالی و اجحاف از
مأمورین جزو است که همه را عادت گردیده و راضی
بستند که قرار و قانون و نظمی در کارها داده شود
تا از این اجحافات و بیاعتدالیا باز مانند

دولت بیچاره در مقابل این همه متجاوزین از
حکام و مباشرین مالیات گرفته تا سر صکرده و
صاحبان مناصب افواج برسد چه کند ؟ - باید مجبور
نماید تا قانون و نظمی اجری گردد - اشخاصی را که در
افواج منصب میدهند از وجباتی گرفته تا بنسب
بزرگ هر کدام وجبی معین دارد باید برتیب فوج
بدهند - علاوه از برتیب بصاحب منصبان هم با هم
شیرینی چیزی دادن از واجبات است تصور همه
اینها راجع هلت است که طای بیان وضعها گردیده اند
اعلیحضرت اقدس هاپوزی روحنا فداه که پادشاه
و وفه و مهربان است با این همه مفت خوران و اش
چه بکند بکدام یکی مطمئن بشود کدام یکی را عزل
و تیر فرموده حکم نام را محل اطمینان دانسته نصب
نماید مگر از مصلحت خارج آدم بیاورند این حضرات را
همه خولزماهایی را از اهلک مینمایند که بگر در ایران

آدم درست پیدا می شود که از دول خارج می آورند
و حکم و سر کرده عملها خارج از دین را ملتخب
میفرماید - بعینده این بدم کم نام و بهر سواد اصلاحات
و اعلم در اول وهله بدون تأیید مردمان صاحب علم
خارجی خیلی مشکل است چنانچه اغلب دول بلین قسم
ترقی کرده بعد از آنکه خود اهالی در مدارس تربیت
شدند بواسطه مردمان خارجیه را بیرون و خودشان
سرکار آمده منتعام گردیده بد نحو معروض اجرای
اعلم و رفع اجحاف و تعدی مقرون بصلاح و صواب
است و زودتر کارها اصلاح میشود نه بنوعی که بعضی
صاحبان قلم و رأی صلاح میدهند باید از خود اولاد
وطن همه کارها مباشر باشد کدام صاحبان علم در
مملکت ما علوم حرب و تواریخ فتوحات و علوم و فنون
دارا میباشد نمیتوان گفت نیست - هست نه بآن پایه که
کافی تهیه کارها بشود - قانون بهتر از قانون شرح انور
نمی شود ولی تعلیم قانون در شریعت بطریق جدید
نیست - اینها را باید تربیت داد و مظم داشت با قانون
شریعت را بتواند اجری دارد - جهاد واجب است
مشت را بستن نمیتوان زد راه جهاد را باید آموخت
تا بتوان جهاد حکره و الا دانسته و فهمیده خود را
بهاکت اداختن مغایر شرح انور است

(وطن خواه م - م)

مکتوب از اسلامبول

کشتی موسوم به (الیدا) متعلق به صاحبمنصبان
بحری دولت سوید چندی قبل چنانچه رسم شاگردان
محصکات بحری است که بنادر عمده عالم را سیر و
سیاحت نمایند وارد بدر اسلامبول شد - و دو روز
پس از توقف آنان از طرف سماریت کبرای ایران
بواسطه سابقه اتحاد با آن دولت دعوت به سماریت
کبری شد - جی از سفر او و ورواه معظم بهار
مدعو بودند و طرف عصر هم مجلس سهامی برای
شاگردان بحری سوید که با همان کشتی آمدند بودند در

سفرخانه ایران تشکیل شد. وعدد مدعوین در آنوقت
منجاوز از يك حد و بجاه نر بود. صرف نهار و جای
و شربت و شربتی نموده چند ساعت به استماع نغمات
موسیقی ایرانی که یکی از ملین مخصوص و معروف
ایران که چندی است در سفارت کبری متوقف است ترتیب
داده شده بود اشتغال ورزیده. حوالی غروب آفتاب
پس از ختم ادعیه مخصوصه ذات اقدس هایونی ارواحنا
فداه و اهل حضرت سلطان عثمانی و پادشاه سوید با
هیئت اجتماع تازم کشتی (الیدا) که در بندر اسلامبول
لنگر انداخته بود شدند. و محض استحضار خاطر شریف
عالی شرحی را که در این باب روزنامه معلومات
ترکی منطبعة اسلامبول نوشته اند افاضاً داشتم
از آنجا که در موقع حج امسال عدد زوار
بیت الحرام بسیار بود و جمعی از اعیان و اهله و اکابر
ایران و نیز از وجوه علماء اعلام کثرتاً امثالهم آراء
اسلامبول تازم شده اغلب ایام و لیالی را در سفارت
کبری طوان ضیافت گسترده و انواع پذیرائی ها و
مساعدت های کامله از هر یک از زوار علی قدر مراتبهم
میشد.

آنا لله و آنا الیه راجعون

بد عهدی دهر بین که بک هفته زباغ

کل برود و غنچه کرد و بشکفت و برینخت

شما از شرح ورود بندگان آقای امام جمعه طهران
را از مکه معظمه عرض نمود. شب همان روز بمصدق
آیه وافی هدایه (اذا جاء اجابهم لا یستأخرون ساعة
ولا یستقدمون) در حالیکه بجز اظهار کسالت راه و
مشقت سفر هیچ شکایت نداشتند. و احساس تقاضی
از سبای مبارکشان نمی شد. بیک حق را لبیک اجابت
گفته بدرجات چنان در خدمت حد تاجدار خود محمد
مصطفی سلم رخت مسافرت دائمی بر بسته دافعی عظیم بر
دل ذراری و جمیع ملت اسلام و هموم ایرانیان
خصوصاً اهالی طهران گذاشته گذشتند رحمة الله
علیه رحمة واسعة.

یوم چهارشنبه جنازه آن بزرگوار را با کمال
عزت و احترام برداشته منجاوز از یافس بدک
از طرف اعیان و رجال در جلو و عقب جنازه روانه
و تمام طبقات از علماء عظام و شاعران و نغام
و رجال و وزراء و اهله و اشراف تجار و کسبه
مرد و زن بانهایت حزن و اندوه در تشییع جنازه
حاضر بودند. از طرف دولت ابد مدت نیز حکام
سوگواری از فرستادن بدک و هماری و قشون سواره
سیاه پوش بعمل آمد در پہلوی مرقد مبارک و آن
بزرگوار خودشان بخاک سپردند. چهارشنبه
پنجشنبه و جمعه تمام وزارتخانه ها را تعطیل کردند. و
نیز صفوف جماعت نماز در مساجد بسته نشد و مجلس
درس و صرفه و محاکات شرعیه در این سه روز توقیف
کردید. و جمیع بازار و دکان و کاروانسرا و مغازها
و تجارت خانهای بزرگ در این سه روز بسته بود و آثار
حزن و اندوه و غم از در و دیوار هویدا و حالت عزرا
و ماتم از جمیع اهالی محسوس بود.

از طرف قرین الشرف هایونی امر و مقرر شد
که مجلس ماتم و ختم آن مرحوم را در مسجد شاه
بمخرج دولت برپا دارند. ولی نجل جلیل ارجمند
آن مرحوم جناب حجة الاسلام آقای آقا میرزا ابوالقاسم
سلمه الله قبول فرموده از کیسه خودشان در مسجد
شاه مجلس سوگواری برپا نمودند. تا امروز مجلس
عزرا و ختم و تشییع بدین طریق دیده نشده بود.
اگرچه وجود محترم معظم حجة الاسلام آقای
آقا میرزا ابوالقاسم اجل و مستفی از مراتب
ظاهری و باطنی است مع ذلک الطاف خسروانه شامل
ومزید گردیده علی الرسم خلعتی با فرمان مهرلعان مبارک
بامامت بندگان معظم الیه شرف صدور یافته خطبة امامت
بنام نامی ایشان در حضور جمیع علماء اعلام و شاهزاده
گان و وزراء و رجال و قاطبة اهالی قرائت کردید.
خداوند صبر و اجر عظیم بذراری و باز مانده حکام
آن مرحوم درین مصیبت عظمی عنایت فرماید. و

بهای عمر و شوکت و عزت جبهه الاسلام آقا میرزا ابوالقاسم امام جبهه و بندگان مستطاب حاجی سید جواد آقا دو فرزند آن ارجمند آن مرحوم را از خداوند خواستگاریم در حقیقت میتوان گفت

چون که کل رفت و گلستان شد خراب

بوی سگ را از که جویم از گلاب

در حق این دو یاد کار جلیل القدر صادق است -

شرح زندگانی حضرت امام علیه السلام را در آیه مشروحاً خواهیم نگاشت - اعضای اداره جبهه التبیان که از ارادت مندان این سلسله جلیله بوده و میباشند درین مصیبت عظمی شریک و متأم و بامنتهای حزن و اندوه حخته الاسلام آقا میرزا ابوالقاسم و بندگان مستطاب حاجی سید جواد آقا را سر سلامتی میدهند

تلاکرافات

(۱۶ ذی حجه - ۵ مارچ)

§ از (سوهمین) جماعت ژاپونیان از طریق امریکا بجانب اوطان خویش حرکت نمودند

§ مقصد نفر چهاران قشون روسیه که در چهارخانه (دلی) بود با واگون راه آهن بجانب شمال حرکت داده که برای بجهتین جای خالی داشته باشند

§ بموجب تلاکرافتیکه به پترزبرگ رسیده پنج کشتی ژاپون از پنج میل مسافت حله بر بندر (ولادی و دسک) نموده بجهت و پنج دقیقه دو بست خیاره و نارنجک بندریه توب بشهر و قلعه انداختند

§ خبر اخیریکه از (ولادی و دسک) رسیده ظاهر میدارد که ژاپونیا بساعت يك و بیست و پنج دقیقه عصر با پنج کشتی جنگی و دو (گروساژ) حله نموده آغاز بانداختن نارنجک نمودند - ولی چون پنج میل فاصله بود نقصانی نرسانده نارنجک های آمان باره نمی شد لشکریان روس جواب نداده منتظر بودند که کشتیهای ژاپون نزدیک آمده بدانها شلیک نمایند کشتیهای ژاپون در میان یخ دیده می شدند

§ قشون روس بجانب رودخانه (یلو) در حرکت است و آن نواحی را برای مقابله با دشمن مستحکم مینمایند

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که روسها با عجله تمام قلعه در (آتنگ) بنیاد نموده از نواحی (ونجو) لشکریان خود را در آن جا جمع مینمایند از این ظاهر میشود که روسها اراده دارند در (آتنگ) مرکزی برای جنگ مقرر نمایند

§ برای شرکت در جنگ جماعتی از زراع (ولادی و دسک) دو طلب شده از بین دو زراع یکس نفر قبول می شود - و دسته قشونی از آنها ترتیب داده خواهد شد

§ مخبر (روتر) خبر میدهد که (جنرال اجرتن) بعلاهی (سوماتی) پیغام داده که دولت انگلیس ایستاده است که یکدفعه تو را از میان بردارد - و لشکریان ما از میدان جنگ رخ نخواهد تافت مگر اینکه جنگ با آخرت رسد و فقط تسلیم شدن تو باعث امنیت و صلاح نتواند بود مگر آنکه تمام آلات حربیه را بهراهان خود امرتائی تسلیم کنی

§ میباشند يك کشتی جنگی فرانسه که در (تولن) امر شده بود برای انحصای شرق و تأخیر یافته مورث بحث و مذاکره گردیده که این گونه انتظام کارهای دواتی را معوق میدارد

(۱۷ ذی حجه - ۶ مارچ)

§ خبریکه به امیرالبحر (الکس اف) از جانب سردار قشون (ولادی و دسک) رسیده این است که دشمن آغاز بشلیک نمودند - خبریکه در روز عصر منبأ بانداختن نارنجک رسیده رسمی نبود - آنچه تخمین شده بیست هزار ایرا صرف حله ژاپون بر (ولادی و دسک) شده گلوله های آنها که بشهر می انداختند شش الی دوازده انچ بوده است (۱۲ انچ يك فوت و سه فوت يك زرع است)

§ روسها از (نیوجوانک) اسبابهای خانگی و اشیاء غیر ضروری خود را حرکت میدهند
 § دفتر امانه در لندن برای بازماندگان مقتولین جنگ اقصای شرق باز شده تا کنون هفت هزار و شش صد لیرا جمع شده است
 (۱۸ ذی حجه - ۷ مارچ)

§ یکی از جاسوسان جنگی روس خبر داده که ژاپونیان در رودخانه (پلاکن) وارد شده خیال دارند طریق سهلی برای دخول منچوریا بدست آرند ولی این ایام برف راهها را مسدود داشته است

§ (مستر بافور) وزیر اعظم انگلستان اظهار داشته که اعلان رسمی روس درباره اینکه تجارت ارزاق و ذغال سنگ را نیز از جمله اشیاء ممنوعه در جنگ بشمار خواهد آورد مسئله بسیار مهمی است. دولت انگلیس مخایره و تحقیقات لازمه را در این اعلان خواهد نمود

§ چنان مستفاد میشود که دسته جهازات روس که در (ولادی و دسک) میباشد برای جواب حمله کشتیهای ژاپون مستعد و آماده نبودند یقین است در عودت کشتیهای ژاپونی مجبور بجنبگ خواهند گردید

§ (ارل پرسی) در دارالشوری اظهار داشته که دولت انگلیس (سر. ای. ساتو) سفیر خود در دربار چین را برای دائر نمودن صرافعه بر (مستر کاون) که مدیر روزنامه (طمس چین) است مأمور داشته که بعضی مضامین توهین آمیز بر ضد روس نوشته است

§ از مارچ (۱۹۰۳) الی فروری (۱۹۰۴) بر واردات تجارتی انگلستان (۳۵۴۹۹۳۴) و بر صادرات آن (۱۱۱۹۰۳۷۷) لیرا نسبت بسال گذشته افزوده است

(۱۹ ذی حجه - ۸ مارچ)
 § خبرهائیکه از امیرالبحر روس (الکسی اف) من باب حمله بر (ولادی و دسک) رسیده ظاهر میدارد که حمله ژاپونیان مایه خساره زیاد و اتلاف بسیار نشده فقط يك زن هلاک و يك ملاح مجروح گردیده

جددا دیروز ژاپونیان در آن نواحی نمایان گردیدند
 § اداره بلدیة پاریس پست هزار فرنگ برای امانه مجروحین جنگ اقصای شرق منظور نموده خطی هم به پترسبرگ روانه داشته فتحمندی روس را خواسته
 § در دارالشورای ملی انگلستان (مستر آرنلد) فهرست معارف جنگ را پیش نموده اظهار داشته است که توپهای میدانی و اسبی در اروپا بی کار خواهد ماند و برای سال آینده صد و هشتاد توپهای میدانی و هشتاد توپهای اسبی آماده خواهد شد این توپها برای هندوستان لازم است و نیز اظهار خوشنودی نموده است که این توپها را میتواند درهند بفرستد چه قشون هند امروز با لشکریان اروپایی مقابله می کنند هند مقامی است که کارهای صعب بواسطه آن سهل می شود لذا لازم است توپها که سال آینده موحود می شود در هندوستان بفرستند - و نیز در سال بعد هند دارای هفتاد و یک هزار قبضه تفنگهای جدید خواهد بود

§ در دارالشورای ملی انگلستان مستر (یوان والتن) سؤال نمود. که آیا خیال روس من باب سواحل کریم و مصر چیست؟ آیا آزاد در تجارت خواهند بود یا نه؟ آیا جنگجویان از شمول بجهازات تجارتی مختار یا ممنوعند؟ دولت انگلیس در این ماده چه خیال دارد؟ وزیر اعظم انگلستان (مستر بافور) اظهار داشت که چون این مسئله خیلی اهم است دولت از خیال آن خارج نمی باشد

§ مخبر (روتر) از توکیو خبر میدهد که (مارکویس ایتو) صدراعظم ژاپون (یاسهارک آسیا) بسمت سفارت فوق العاده بجانب (کوریا) رهسپار است بانزد هم شهر حال حرکت خواهد کرد و مکتوب بیهم بدستخط پادشاه ژاپون برای پادشاه (کوریا) همراه دارد سه هفته در (کوریا) توقف نموده معاودت بژاپون خواهد نمود اعضای این سفارت فوق العاده يك امیرالبحر و يك سردار و چند نفر از رجال مهمتر خواهند بود

در بندر آرتر بقول ژاپونها دو هزار و بقول روسها بیست هزار نفراند

§ در (نیویارک) امریکا به یکی از دعوتهای عصرانه (جنرل ویلر) فتوحات جنگهای بحری ژاپون را مذاکره نموده مهارت و شجاعت ژاپونیان را در جنگ بحری تمجید کرده است - مجله یان همه اظهار مسرت نمودند (مستر اوچیدا) سفیر ژاپون که در آن مجلس حاضر بود اظهار داشت که ژاپون متحمل این جنگ برای اغراض شخصی نشده بلکه برای تصفیه معاملات پیچیده و استقلال قومی خویش اقدام نموده است که در اختیارات او کسی مداخلت بجا ننماید - بعد از حتم کلام او مجلسیان برای خاسته تا دبر زمان آوازهها را بمسرت بلند داشتند

§ از (توکیو) خبر رسیده که دیشب کشتیهای جنگی ژاپون بدو آمله و شلیک بر قلعه (نالینوان) نموده سپس به بندر آرتر روی آورده حمله نمودند (۲۱ ذی حجه - ۱۰ مارچ)

§ اعلیحضرت امپراطور روس تلگرافی بعنوان مسرت و خوشنودی خود به مستحفظین قلمه (ولادی وودسک) زده - در ضمن همان تلگراف اظهار داشته اند که ما را یقین کامل است که تمام قشون در حفظ قوای دولت متبوعه خود در مقابل دشمن از بذل جان و جهد و کوشش درین نخواهند داشت

§ بادارات روسی (واشنگتن) از (چینو) خبر رسیده که قشون ژاپون در (فنواینگ) و (ناگوچان) وارد شده و این حرکت لشکریان روسی را در کوریا عیب خواهد نشاند

§ یکی از شیوخ حرب اجازه دخول در بندر ندن را با صد نفر همراهان خود از حکام انگلیس خواسته با دو بیست بجهت فر مسلح وارد شهر شده هورت افشاش گردیدند - بمجرد ملاحظه این حال حکام انگلیس دو دسته قشون برای نگاهداری امنیت

§ معلوم میشود که (مستر برادرک) و (لارد لندون) با رای وزارت جنگ انگلیس که ۲۸ اعلان شده بود متفق نمیشاند ولی از دیروز عصر (مستر ارمانند فراسر) بدستور العمل کمیسیون جنگ عمل مینماید § (مستر بلقور) در دارالشورای ملی انگلیس اظهار داشته که در انعقاد این مجلس پارلمان موقع پیش نمودن مسائل راجع به مالیه بدست نخواهد آمد (۲۰ ذی حجه - ۹ مارچ)

§ امیرالبحر روس (الکس اف) تفصیل حمله ژاپون را بر (ولادی وودسک) چنین می نگارد که ژاپونیان دو بیست تا پنجک بذریعه توب بجانب (ولادی وودسک) انداختند ولی ادا اظهار نمیدارد که قصاتی رسید یا نه - دسته جہازات ژاپون سه نوبت بدان جانب آمدوشد نمودند قلعه قصان وارد نیامده ولی قلعه بندی شهر صدمه رسیده است

§ یوم دوشنبه مجدداً کشتیهای جنگی ژاپون تا قرب ساحل آمد و حمله مختصری کرده بجانب جنوب حرکت کردند

§ بسیاری از اهالی (ولادی وودسک) هیسال و اطفال خویش را از شهر بیرون میفرستند و اوزاق باندازه گران شده که قرب به خطی است

§ دولت ژاپون از (سیول) الی (وچجو) آغاز بساختن راه آهن نموده است

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که روسها چهار هزاره توب امروز در ایستگاه راه آهن (نیوجوانگ) پیاده نموده کشتیهای جنگی دول از آنجا حرکت کرده - قونسل انگلیس تمام انگلیسها را امر نموده که زن و بچه خود را از (نیوجوانگ) حرکت دهند

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که سیزده فروند کشتیهای معتبره روس که در بندر آرتر بودند هشت فروندش از حملات ژاپون بیکار و ناقص و نصف خلمه بندر آرتر نیز خراب شده لشکریان روس

والا آقای سلطان محمد شاه (که سمت ریاست خاصه بر مائت مسلمانان و سرپرستی مخصوصه بر تمام ایرانیان هندوستان دارند) دولتی افروز انجمن مبارکه مظفری کلکته گردیدند

محترمین و معززین اعضای انجمن تا کالسکه ایشانرا استقبال نموده جناب جلالتمآب اجل آقای معتمد السلطان وزیر مقيم مؤسس این بنیای خیر اعصای محترم انجمن را يك يك معرفی فرمودند - نواب اشرف والا مدرسه (که فعلا دارای سی شاگرد است) ملاحظه فرموده قرائتخانه و سائر اطاقها را گردش کرده در رواق و برآمده تشریف آوردند جناب جلالتمآب آقای وزیر مقيم بحسب خواهش اعضا نواب اشرف والا را تکلیف قبول سرپرستی این انجمن (که بنام مبارک اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی افتتاح و اول انجمن جامی است که ایرانیان هندوستان دائر و اولین مدرسه میباشد که در زبان فارسی بالاصاله در هند افتتاح شده و میتواند شالوده ترقیات ایرانیان هند را محکم دارد) فرمود

نواب اشرف والا با منتهای کشاده روئی و حسن اخلاق و ترقی خواهی که شیوه مرضیه ایشان در حق جمیع اسلامیان خاصه ایرانیان بوده و هست قبول و اعضای انجمن بهیئت اجتماع بیای خاسته اطهار تشکر و امتنان از نواب اشرف والا نموده و سرپرستی ایشان مباحات نمودند

سرپرستی نواب والا آقای سلطان محمد شاه نه فقط مایه افتخار و مباحات اعضای انجمن است بلکه اسباب امیدواری در دوام و بقای اوست - چه مسلماً تا رؤسای قوم و بزرگان مات همت والای خود را بذل در اینگونه انجمن های ملی نفرمایند و سرپرستی مخصوصه که در خورشان و مقام ایشان است نمایند - بایه ترقی و اساس ثبات انجمنهای ملی محکم نتواند گردید - امروز میتوان گفت که انجمن مبارکه مظفری را سرپرستی نواب اشرف والا ثبات و قوامی حاصل آمده - امیدواریم این انجمن مبارکه ملیه که مایه نخر و ترقی ایرانیان است در زیر حمایت و سرپرستی نواب اشرف والا ترقیاتی که در خورشان و نام بلند این انجمن است نائل گردد

فرستاده شیخ مذکور را حکم به تخریب شهر نموده اند (۲۳ دی حجه - ۱۱ مارچ)

روسها مقرراند که چهار کشتیهای ژاپون را در دهنة بندر (آرتھر) که قرب ساحل بود آتش زده اند و اروپیها کشتیهای مذکور را بر آر سنگ و اشیاء غیر مفیده نموده مانند کشتیهای جنکی جلوه دادند - در هر يك يك معلم و سه ملاح بود ده غر آبان عرق شده اند § امیرالبحر روس (الکس اف) خبر میدهد که

على الصباح کشتی جنکی روس (ریتریزان) جدا حمله کشتیهای موشک ژاپون را مدافعه نمود سپس کشتیهای موشک روس رسیده کشتیهای جنکی ژاپونرا عقب نشاندمن بعد کشتیهای جنکی ژاپون عدد آمده جهازات روس را عقب نشاندمن ولی نشانه آنها بعضی خطا میکرد

(۲۳ دی حجه - ۱۲ مارچ)

امیرالبحر (الکس اف) اظهار داشته که همت فرود کشتی جنکی ژاپون و هشت چهار موشک متفق شده در اسماذ بوعاز بندر آرتھر سی نمودند

جمعی از قشون روس که از طریق (ایک بیگال) رفته بود سرما آنها را هلاک نموده و بسیاری نیز در واگون راه آهن تلف شده اند

افراد است که قشون روس از (دلتی) حرکت کرده قصد شان جلو گیری راه بندر آرتھر است

در مسکو شهرت دارد که قشون روس راه (سیول و یگن) را که در وسط (هسارکتانک) و رودخانه (یلو) واقع است به تصرف خود آورده اطراف رودخانه (یلو) را مستحکم مینمایند

متنهاد میل راه آهن و بعضی از پلهای معظم ضروری را در دهنة (ولادی وودسک) خراب کرده اند § چون در بندر (آرتھر) و (دلتی) و (ولادی وودسک) عملاً کارخانجات جهاز سازی روس همه چینی بوده و از خوف جنگ رفته اند برای مرمت کشتیهای جنکی مشکلات بسیار برای روسیان پیش آمده دو جهاز که مرمت طلب بود مجبورا بیکار گذارده قراول دریا قرار داده اند

انجمن مظفری کلکته

دوشنبه ۲۴ ذیحجه الحرام ساعت پنج نواب اشرف

کابلین

سنه ۱۳۱۱

قیمت اشتراك
(سالانه -- شش ماهه)
هند - و برمه

(۱۲ روپيه -- ۷ روپيه)
ایران - افغانستان
(۵۵ قران - ۳۰ قران)
عثمانی - و مصر
(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)
اروپا - و چین
(۳۰ فرنك - ۱۷ فرنك)

مدیر کل مؤبدالا سلام است
متنظم اداره
آقا محمدجواد شیرازی است
هر دوشنبه طبع
پوسه شنبه توزیع میشود
بتاریخ دوشنبه
(۳ محرم ۱۳۲۶ هجری)

تصادف
۲۱ مارچ ۱۹۰۴ میلادی

ذو این حربده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد عامی بحث میشود
مراسلات عام المذمه معبول و در انتشارش اداره آزادست

بسم الله تعالی شاه العزیز
وانه علی کل شیئی قدیر
سلامتی ذات ملکوتی صفات مقدس اعلی حضرت
اقدس قدر قدرت قضا مهابت قدیم دولت سلطان
اکلیل و خاقان حلال نیل شهریار ملک خرگاه تاحدار
ملك سپاه بادشاه رعیت پرور جهاندار قمر رایت کشور
کفا جلال الدنيا والدين و جمال الاسلام والمسلمين طلاقه
الممدود فی الارضین شامانشاه اعظم کل ممالک عروسه
ایران ملك الملوك مظفر الدين شاه متعاقب المسلمین بطول
بقائه يوم دوشنبه ساعت شش و بیست و سه دقیقه
صبح تحویل آفتاب طالعاب به برج حمل گردید
انشاء الله تعالی سال نو در زیر سایه حضرت شاه
ولایت علیه السلام بر ذات اقدس هایتون سلطنت عظمی
و ملت قییم محترم ایران و خانواده سنیة خلافت کبری
خاصه و امور بندگان پناه حضرت اشرف اقدس والا
سلطان محمد علی میرزا ولیعهد دولت جاوید مدت علیه
طایفه ایران و امت شوکتها الا علی - و حضرت اشرف
والاعلیٰ اعلیٰ علی بن ابی طالب و زبیر العظیم دام اقباله العالی
و امیرالمؤمنین جعفر صادق و جعفر طیار و امامزاده
عبدالمطلب و سایر ائمه اطهار و صلوات الله علیهم
و علی آلهما و سلم و صلوات الله علیهم اجمعین

مجید شمر که زاده طبع و قاد خدا بنده رسم متخاص
باشراق است آغاز سخن مایم
بنام ابرو یگانه
§ آمد محرم محتاط - بار دگر نورور را
یا کرده باعم مرتبط - مرشادی امرور را
§ هر سال نورور آمدی - شادان و فیروز آمدی
کاشانه افروز آمدی - هر هسته و فیروز را
§ با بارک جنگ و حاکم هم - یاران نشستندی هم
مجلس شدی باع ارم - احباب عیش اندور را
§ بر هر دری سوری دگر - در هر سری شوری دگر
هر گوهی هوری دگر - علم صفات امور را
§ گفتی زمین و آسمان - از حرمی دارد توان
در بن میگذرد روان - عشاق عالم سوز را
§ ناد بهار آمد مدد - از بر تو فیض سمند
احیا نمود از لطاف خود - مرطالقان تاخور را
§ که افسر حیبال شد - در مصدر سلسال شد
نور از سما انزال شد - از هار باغ افروز را
§ پیر و جوان و مرد و زن - در وجود و حالت بن
ز انسان کجا یارم - سخن در روی مسرت پوز را
§ امسال خزان بهر تو بهب - نوبه در پهلوا پیش و کم
طاعت و خیر و برکت - از صاحب باجم نوبه را

بابل بک درکستان هر سال خواندی داشته است
ایک اشرومه سوان تکشاده حلق و پوزرا
عذر مصیبت شد چحل - جان ناعم آمده عمل
داه سیه شد متقل - سر کسوت در دوز را
اشراقیا تا چند سال است رخ است حال
آمد رچرخ ابر و وبال ان کردکان کور پرا
گر رنگی دارد وفا - گر دهر بگذارد جفا
و تیزه با بیم و صفا - ناف دگر نورور را

انگرافات

(۲۵ دی حجه ۱۴ مارچ)

امیرالبحر ژاپون (توکو) دهم شهر حال و
بدر آرهر خیلی سحر و شدید بود - دشت ار کشکی
هی (کروساژ) ژاپون مشعل اداست سرک در دریا
و فیه با حسابات حکمی است دقتانه کامل
مقاله و مشعل شدک - در اس از حدکی سحر
روسها عقب نشیند آت آمد کشمیر - حتی ژاپون
بر بدر (آرهر) شلک نموده کهد و وارده گاوله
دوارده ایچی - بدر (آرهر) انداختد و نشتهای
(کروساژ) آنها را راه مانی میگردند
علامتگاه (ساچو -) از روسها در ساحل
رودخانه (نایوان) اذ حیره رنادی ارسدمهای نه نی
که در دریای ارا - قبضه ژاپونها در آمد و
(سامچو -) ر ویران نمودند

امیرالبحر ژاپون (توکو) انگرافا (توکیو) خبر
داده که در این جنگ چهار هزار کرفسار شده بعینه
فرار نمودند - قتیکه د تیه و مدارک کرفتن اسرا
بودند کشکی (جویک) رسیده طابع از احرای خیال
آن گردید

افواها که روسها بدر (آرهر) را تحویه نموده اند
بی اصل است

فریق کشکی موئک ژاپون و نقصان بافتن کشکی
دیگر او در (توکیو) تردید شده - قصصاتی که درین
جنگ بکشتیهای ژاپون رسیده خفیف بوده آنچه کشکی
های ژاپون صدمه یافته در عرصه یک هفته اصلاح نموده
معددا در جنگ خواهند آمد

(۲۶ دی حجه - ۲۵ مارچ)

خبر (روتز) (توکیو) خبر میدهد که سردران

روانی در کشکی (آرهر) و (یوجوانک)
دولت روس مسمم شده طبعه شده خراب
وی در اقصای شرق جمع نشود - ایستاده با ژاپون
نه نماید

کشکی روس که در حله ژاپون در بندر
(آرهر) تقیمان یافته مشکل است که کم از صدمت پیش
ماه دوباره قابل ورود در میدان جنگ شوند

خبر (روتر) مقوله از من بر آوزدگان ژاپون
ذکر می نماید که دولت (ژاپون) این جنگ را برای
هلاک گیری و فوائد ذاتی نموده بلکه مقصودش بیان
است تا چندی خیال جنگ را در اقصای شرقی بلذ
ادهان دوردارد - و حد صباحی بدون دغدغه خاطر
به ترفیات خود کوشد

در روسیه شهرت دارد که قشون روس چهار
مرکز دسیره اشکرمان ژاپون را در ساحل رودخانه
(جابگنک) پیدا کرده بر قشون ژاپون که در کین
گاه بودند حمله ور گردیده قشون ژاپون عقب نشست

اردوی مرتبی در کوربا تحت حکم افسران ژاپونی
تشکیل یافته و در مدارک جلو گیری جنگ سعی اند
افوا است که دولت روس بعد از حله اخیره
ژاپون بر بدر (آرهر) کشتیهای جنگی خود را بجانب
(ولادی وودسک) حرکت داده و قوای بحری خود را
در یک نقطه جمع می نماید

اریوچوانک خبر رسیده که بوم یکشنبه جنگی در
بین کشتیهای جنگی ژاپون و روس واقع شده کشکی
(ویانه) روس خراب شده است

(۲۷ ذی حجه - ۱۶ مارچ)

خبر (روتر) از (سیول) پای تخت کوریا خبر
میدهد که دولت ژاپون جمیع وقایع نگاران اخبارات را
از (نیکیانک) و (آجو) به (سیول) طلب کرده
حکم داده است که اختیار رفتن به بالا تر نداشته باشند

خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که همین
مصارف جنگ را دولت ژاپون تا اواخر مسیور نماید
و می ویش مایون (بن) نموده و این مبلغ را دولت از
ملت استقراض کرده به زیند نمودن بعضی مواضع
پرداخت خواهد شد (۱۸) برای تصفیه این مواضع
شوری منقذ خواهد گردید